

اثرات سهرایران بر یونان

کوششی در بازایی ارزشهای فرهنگی ایران

غلامعلی همایون

دکتر در تاریخ هنر
دانشیار دانشگاه تهران

سبک کلاسیک یونان به طبیعت آنرا از سبک‌های کلاسیک دوره‌های بعد متمایز میدارد. این تمایل به طبیعت در آن بهمان اندازه قوی است که کوشش برای رعایت قوانین نظم و اندازه‌ها، تناقض در هنر کلاسیک یونان از تناقضات و تنبیهات فرم‌های اجتماعی و قراردادهای مربوط بدان سرچشمه میگرفت و این تناقضات قبل از هر چیز مربوط به روابط دمکراسی با مسئله فردگرایی بود.

فردگرایی در دمکراسی بدین معنی است که در آن رقابت قدرت‌ها تضمین گشته و هر فرد نسبت به بهره‌دهی‌ها و شخصیتش ارزشیابی شود ولی در آنجا که دمکراسی از رفع اختلاف فاحش مابین افراد و طبقات دفاع میکند و امتیازات تولد را بهیچ میانگارد، دیگر نمیتوان هیچگونه رابطه مثبتی مابین دمکراسی و فردگرایی یافت بلکه برعکس باید اظهار داشت که دمکراسی تمایلات همه‌گرایی‌دارد.

در اجتماع قرن پنجم پ. م. فردگرایی و همه‌گرایی در یکدیگر ادغام گردید. زیرا قشرهای اجتماعی متفاوت بوجود آمد اجتماع تنها به طبقات فقرا و نجبا تقسیم نمیشد بلکه مابین آنها نیز طبقه متوسطی بوجود آمد. این طبقه متوسط که همان بورژوازی است از طرفی کوشش‌های دمکراسی را در جهت یک

بودند که از بعضی مواهب دمکراسی برخوردار گردیدند ولی این بدان معنی نیست که در یونان آزادیخواهی مطلق و در شرق «استبداد و زورگوئی» مسلط بوده است. مطلب را بازمی‌نمائیم. حوادث جنگ‌های ایران و یونان ماراتون ۴۹۰ و سالامین ۴۸۰ پ. م.، سبب شیوع افکار آزادی-خواهی، میهن‌پرستی و انسان‌دوستی در میان یونانیان گردید. مسئله دفاع از سرزمین یونان افکار و تصورات جهان آرکائییک را در هم ریخت و راه را برای اشاعه هنر کلاسیک هر چه بیشتر هموار نمود. استخراج ریشه‌های اجتماعی هنر کلاسیک یونان سخت پیچیده و دشوار است. در ابتدای امر بنظر میرسد که افکار دمکراسی با لیبرالیسم و فردگرایی‌اش و سبک کلاسیک با پیچیدگی‌ها و همه-گرایی‌اش هرگز بتوافق نرسیده و نتوانستند وحدتی ایجاد نمایند اما هنگام بررسی بیشتر با این واقعیت آشنا میشویم که نه دمکراسی آنقدر جنبه‌های جدی دمکراسی را رعایت میکرد و نه سبک کلاسیک آنقدر گرفتار قوانینی سخت و سخت‌کلاسیتی بود.

قرن پنجم پیش از میلاد آنقدر متعلق به آن دوره از تاریخ هنر است که در آن مهمترین و پرمحصول‌ترین نوآوریهای سبک ناتورالیسم تظاهر نمود. تمایل شدیدی

مهمترین مسئله مورد بحث شرق و غرب ادعای دانشمندان غربی در مورد برتری تمدن و فرهنگ غرب و بالتبع به اسارت چندین قرن ملل شرق است. اغلب محققین اروپایی تمدن غرب را وارث مطلق فرهنگ یونان و روم، که از نظر آنان بر دیگر فرهنگ‌های جهان برتری داشت، دانسته و خود را از هرگونه نفوذ خارج از حیطه اروپا منزّه کرده و در راه اثبات آن بناچار حتی تحریف تاریخ را نیز مجاز دانسته‌اند. بر سبیل این بحث ابتدا خود منابع یونانی را در مورد برخورد هایشان با شرق بررسی میکنیم. مورخین یونانی اکثرأ بخاطر تعصبی که نسبت به رویدادها و وقایع سرزمین خویش داشتند، واقعیات را آنطوریکه مبیایست منعکس نمیکردند و از ابتدای امر ارزشیابی‌هایشان بر اساس تعصب، خیال‌پردازی و افسانه‌سرائی استوار بود. آنان همه چیز حتی مشهودات خود را با تصور ذهنی‌شان که کمتر با واقعیت قرابت داشت در آمیخته و گهگاه در متن اسناد دخل و تصرف نموده و بخصوص آنجائیکه غرور اقوام کوچک جزیره‌های پراکنده یونان مطرح بود کلیه وقایع تاریخی را یکجانبه‌گراش میکردند.

یونانیان به دمکراسی خود افتخار میکردند بدون شک یونانیان نخستین ملتی

سطح کردن زندگی اجتماعی میسائید و از جانب دیگر طرفدار خلق امتیازات سرمایه‌داری بود.

دمکراسی آتن قرن پنجم پ. م. فقط از نظر فرم و در مقام مقایسه با حکومتی استبدادی يك دمکراسی بود. اگرچه در ربع آخر قرن قسمتی از کارهای عام‌المنفعه با مسئولیت طبقه متوسط انجام میشد ولی در واقع همواره روح آریستوکراسی حکومت کرده و اکثریت با نجبا بود.^۱

اگرچه تعدادی از فلاسفه و شعرا از میان طبقه بورژوازی برخاسته بودند ولی آنان در آن طبقه طرفداران فراوانی نداشته و اغلب با نجبا کنار می‌آمدند. اغلب شخصیت‌های فرهنگی و معنوی قرون پنجم

و چهارم پ. م. باستانای سوفستائیان و اوریبید مرتجع بوده و در موقعیتی اشرافی قرار داشتند.

پیندار^۲، آیسخولوس^۳، هراکلیتوس^۴، پارمهیندس^۵، امپدوکلس^۶، هرودوتوس^۷ و توکودیدس^۸ همگی از طبقه اشراف بوده و حتی بورژوا زاده‌هائی چون سوفوکل و افلاطون نیز پیوندهای مستحکمی با آریستوکراسی داشتند.

آیسخولوس برای دمکراسی زحمات فراوانی متحمل شد ولی سرانجام آنرا ترک گفت.

اسفکس از گل رس بخته، طرح از ص ۳۱ کتاب

Walter-Herwig Schuch-
hasdt Griechische Kunst
Berlin, 1964.



از همه مهمتر آنکه آریستوفانس^۹ که نمایلات ضد دمکراتیکش غیر قابل انکار بود برنده جوایز بیشماری گردیده و موفقیت‌های بی‌ظیری در میان مردم کسب نمود.

نمایلات محافظه‌کارانه پیشرفت ناتورالیسم را کنند کرد ولی نتوانست از فعالیت آن ممانعت بعمل آورد. ناتورالیسم در ادبیات و هنر انسان‌ها را چنان نمایش میدهد که باید باشند ولی در بعضی از موارد چنان که هستند.^{۱۰}

تفکر در مورد جهان بهتر، بشریت خوشبخت‌تر، جهانی که میبایست بوجود آید يك نوع ایده‌آلیسمی است که اگرچه جنبه‌های پیشرفته فراوانی دارد ولی از فرهنگی آریستوکراسی اشتقاق یافته‌است. فرهنگ ایده‌آلیستی زیباشناسی نجبا از انتخاب موضوع آنان مشخص است. آریستوکراسی بیشتر موضوعات انحصاری مانند خدایان، ورزشکاران و افسانه‌پردازی پهلوانان را ترجیح داده و مطالب روزمره را بندرت نشان میداد زیرا آنها از نظر آن معمولی و پست بودند، بنابراین استنباط میشود که دمکراسی یونان نیز دارای پایه‌های استواری نبوده و یونانیان و سپس ملل غربی بیجهت درباره‌اش هیاهو پیا کرده‌اند. از طرفی در کشور هخامنشیان، شاهنشاه بدون مشورت با «داوران شاهی»^{۱۱}

۱ - مراجعه شود به ص ۸۴ کتاب :
Arnold Hauser
Sozialgeschichte der Kunst und
Literatur.
München, 1969

- Pindar — ۲
- Aischylos — ۳
- Herakleitos — ۴
- Parmenides — ۵
- Empedokles — ۶
- Herodotos — ۷
- Thukydidēs — ۸
- Aristophanes — ۹

۱۰ - مراجعه شود به صفحات ۹۰ تا ۹۲ کتاب Arnold Hauser



سرحیوانی افسانه‌ای، از ترینات
یک دیگ برنزی، عکس از کتاب
Griechische Kunst.



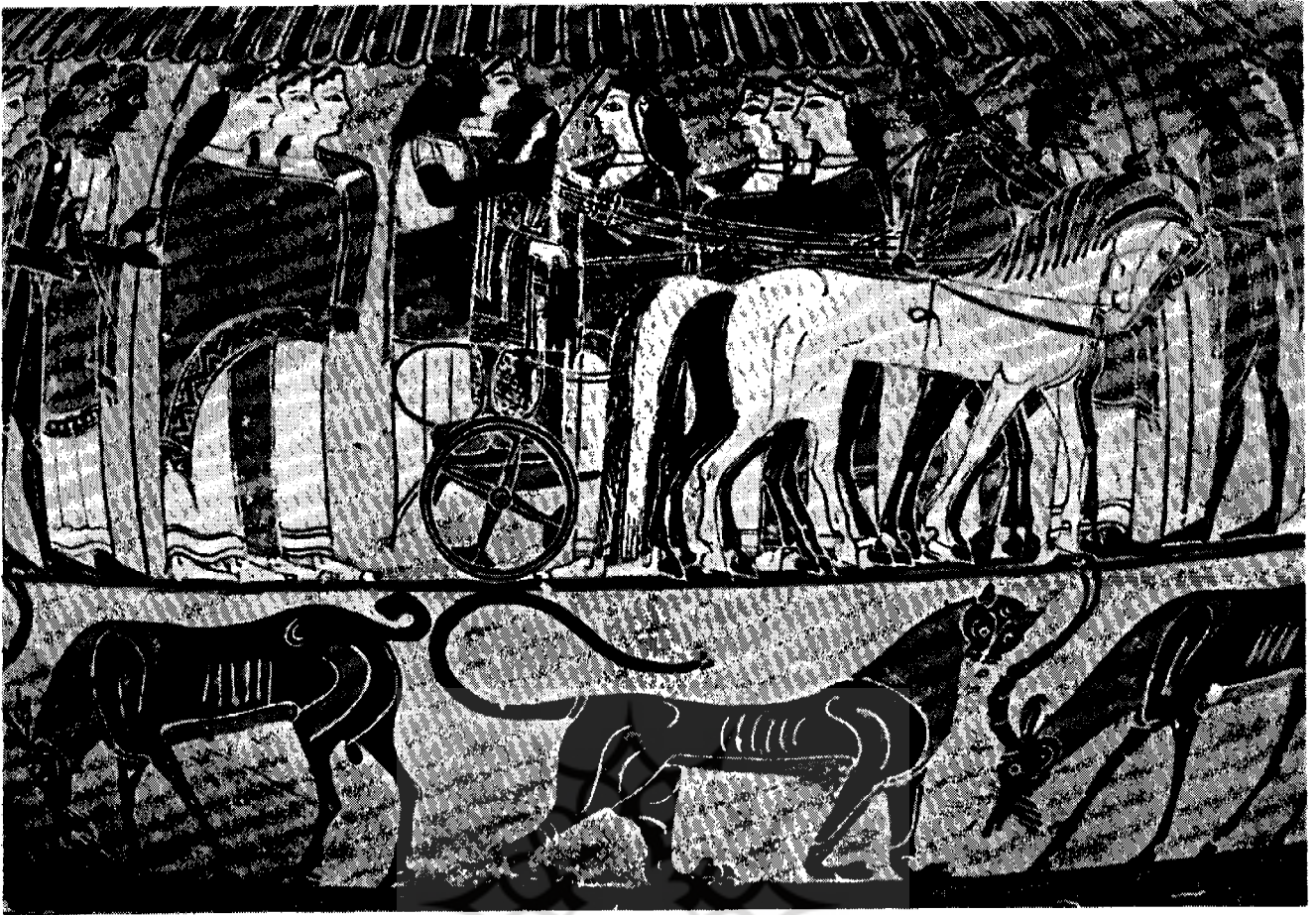
آمفورای آنالاتوس، سفال،
عکس از کتاب
Griechische Kunst.

نمایند. آنان ایرانیان را «راحت طلب و تجمل پرست» میخواندند و اظهار میداشتند که ایرانیان خوابیدن روی تشک‌های نرم را کافی ندانسته زیر پای‌های تخت خود را نیز مفروش مینمایند که فشار و سختی زمین را احساس نکنند. در زمستان دستکش بدست میکنند در تابستان سایه درختان را کافی ندانسته سایه بان میسازند.

مطالبی که فوقاً اشاره شد نشانه راحت طلبی نیست بلکه فرهنگ به زیستن است. تلاش بخاطر مرغه زیستن نشانه تمدن بشریست اگر نیک بنگریم تمامی کوشش

نمیگردید، مطلب اینجاست که دمکراسی یونان قبل از برخورد لشکریان ایران و یونان، و در نتیجه تبادلات فرهنگی، هنوز شکل و فرمی نیافته بود بنابراین می‌توان این فرضیه را بنیان نهاد که یونانیان لاقلاً قسمتی از افکار دمکراسی خود را مدیون برخورد های نظامی و سیاسی با ایرانیان می‌باشند زیرا فتح آتن مردم یونان را تکان داد و سبب شیوع افکار مبین پرستی و آزادی خواهی در آن سرزمین گردید. نویسندگان یونان خرده می‌گرفتند که ایرانیان علاقمندند در رفاه زیست

هفت تن آزاده نژادی که تقریباً مجلس داورى ایران را تشکیل میدادند، هیچگونه تصمیم بزرگی اتخاذ نمیکردند. «داوران شاهی» همواره در کارهای مهم به کمک شاهنشاه برخاسته و او را از کارهای زیانبار و خطرناک بازداشته و بکارهای نیکو و پسندیده متمایل میساختند. البته تنها این هفت تن نبودند که با شاه رأی میزدند شاهنشاه همواره با بزرگان خردمند و کاردیده اقصی نقاط کشور نیز مشورت میکرد. علاوه بر آنها مورخ یونانی این مسئله را نیز ندیده میگرفت که اولین آزادپنخواه بزرگ جهان از ایران برخاست. کوروش کبیر اولین منشور آزادی را در سرتاسر جهان صادر نمود و بدینوسیله میلیون‌ها انسان را از قید بردگی و بندگی رهانید. کوروش همواره آزادی را با نظم توأم میدانست و هر ج و مرج را آزادی نمی‌خواند. پادشاهان هخامنشی برای اداره امور سرزمین وسیعی از سندن تا اژه میبایست نظم و ترتیبی برقرار نمایند. ولی یونان در مقابل، سرزمین کوچکی بود با چند جزیره پراکنده که در آن تا ابتدای قرن پنجم پ. م. هر خودکامه‌ای شهری را در اختیار داشت و احتیاجی به نظم احساس



مراجعت عروس ، نقاشی روی ظرف سفالی کرتنی ، ۵۷۰ الی ۵۶۰ پ . م عکس از مقابل ص ۱۶ کتاب **Griechische Kunst.**

بشرا طی قرون متوالی در وجود آوردن این تمدن عظیم در جهت به زیستن خواهیم یافت . مورخین یونانی به این کوشی بی دریغ ایرانیان در راه تمدن و رفاه بشر بدبین بودند و ایرانیانی را که در ۲۵۰۰ سال پیش صاحب نعم فراوانی بودند «تناسا» و «تجمل پرست» می نامیدند^{۱۲}.

واضح است که رفاه و آسودگی خاطر ایرانیان از نظر مادی برای یونانیان «تجمل پرستی» بشمار می آمد زیرا آنان که دم از خلق تمدن جهان میزدند حتی بندرت پاپوش بپا داشتند. افلاطون از قول اپولود و روس میگوید : «چون ناگهان سقراط را دیدم که با کفش چوبی از حمام بیرون می آمد و این چیزی بود که هرگز

می نماید که هیچکس نمی خواهد بفهمد که آنچه در ایرانیان قدیم مایه عیجوتی و خرده گیری یونانیان شده است همان چیزها است که ملت های فقیر در آن باره ملت های ثروتمند را سرزنش میکنند و همان چیزها است که ملت های محروم با بانگ بلند ملت های مرفه را از داشتن آنها در معرض انتقاد قرار میدهند و آن را «تجمل پرستی» میخوانند اما درحقیقت این تجمل پرستی غالباً چیزی جز وسیله تأمین رفاهیت آدمی نیست و وسیله ای است که بعضی به آن دسترسی دارند و بعضی دیگر ندارند و اگر روزی فرارسد که هرکس آن را در اختیار داشته باشد دیگر نه تجمل است و نه علامت تناسائی بلکه ضرورتی از زندگی بشمار میرود .

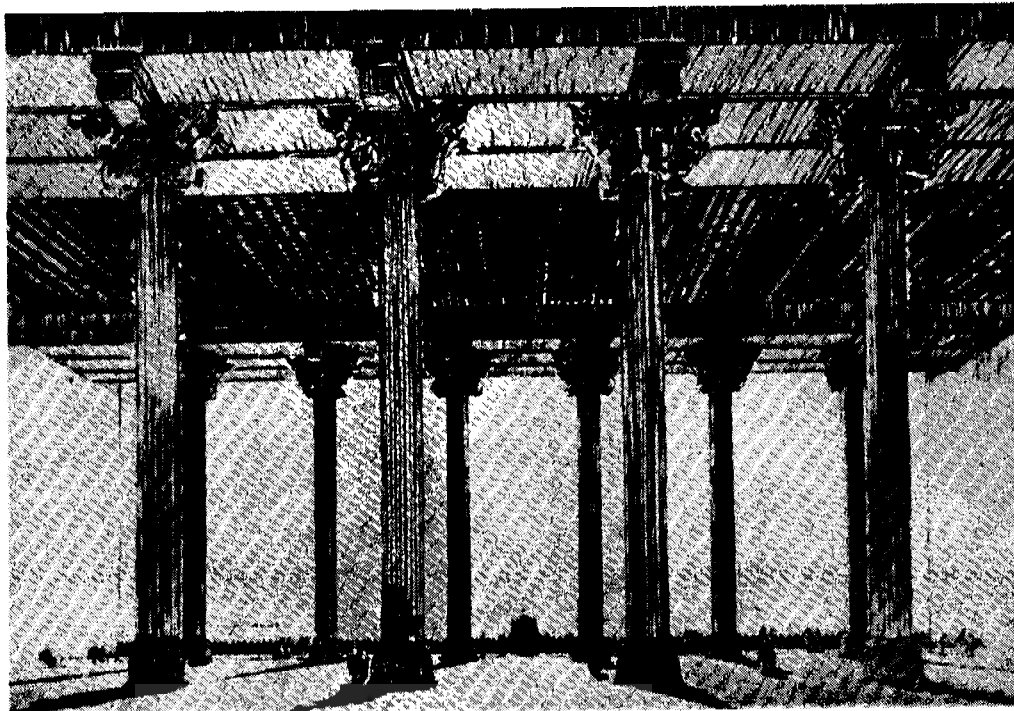
مراجعه شود به امیرمهدی بدیع یونانیان و بربرها ، روی دیگر تاریخ ، تهران ۱۳۴۳ جلد اول ص ۴۲ .

۱۱ - مراجعه شود به ص ۱۷۰ کتاب ریچارد فرای «میراث باستانی ایران» تهران ۱۳۴۴ و ص ۱۷۴ کتاب ا . ت . اومتد «تاریخ شاهنشاهی هخامنشی» تهران ۱۳۴۰ .

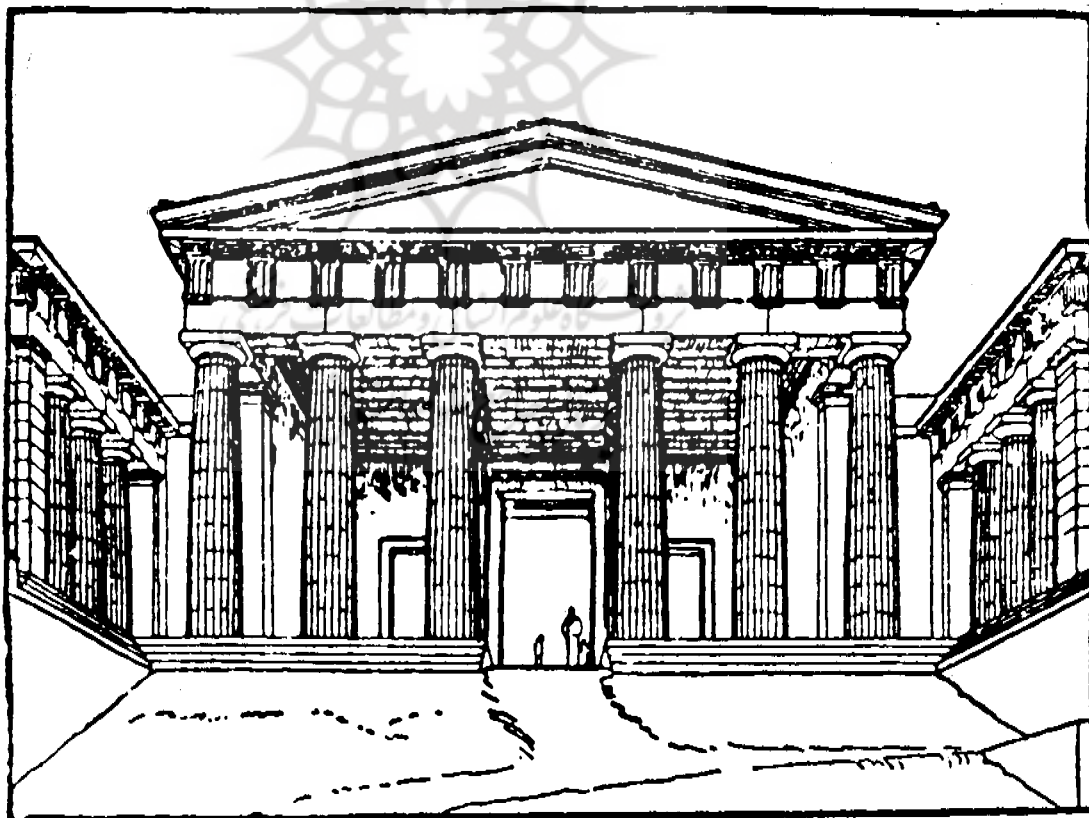
۱۲ - امیرمهدی بدیع دوست نادیده دانشمندی که از هنگام مطالعه کتاب «یونانیان و بربرها» یش باو ارادت خاصی یافته ام در این باره اینطور مینویسد :

« ولی هیچکس توجه به آن ندارد که این تناسائیهای یعنی تختخواب بر روی فرش گذاشتن و خوراکهای لذیذ دوست داشتن و سروتن را در زمستان پوشاندن و دستکش بدست کردن و پاره نه راه نرفتن و سایه را درجانی جز زیر درخت جستن و براسب زین گذاشتن و از جنگ بیزار بودن هم امروز از اصول ابتدائی جامعه های پیشرفته و نشانه های ظاهری زندگی منظم و متمدن حتی الفبای ادب و نزاکت و انسانیت است . چنان

ایوان غربی آپادانای تخت جمشید
 بازسازی از پروفیسور کرفتر ،
 عکس از :
 AMI, 1968, Tafel 23.



جبهه غربی پروپولایون
 آکروپولیس آتن ، طرح از
 ص ۸۱ کتاب
 Griechische Kunst.



به آن عادت نداشت از او پرسیدم که قصد کجا دارد که چنین خود را زیبا کرده است»^{۱۳}.

کفش چوبی پوشیدن سقراط از نظر بزرگان یونان خود را زیبا آراستن است چه برسد به پاپوش چرمی پوشیدن ایرانیان و این برآستی برای آنان شگفت‌انگیز بود که مردمی روی زمین می‌زیستند که کفش زیبا بپا و لباس ارغوانی دربردارند.

نویسندگان غربی سه قرن اخیر کار را نسبت به مورخین یونانی مشکلتر کرده‌اند، اروپای مستعمره‌دار در برداشت وقضاوت‌های خود نسبت به شرق چنان در غرقاب تعصب غوطه‌ور است که هرگونه داوری را بر محقق دشوار می‌سازد. در سه قرن گذشته ادعای‌واهی در ارجحیت تمدن قدیم غرب بر شرق اغلب محافل فرهنگی اروپا، سبب شد کشورهای استعماری غرب، بخصوص در یکصد و پنجاه سال اخیر، حداکثر سوء استفاده را جهت حفظ و توسعه منافع اقتصادی خود در کشورهای شرقی بنمایند.

برتری فرهنگ غرب بر شرق در مراکز علم و ادب غرب هواخواهان فراوانی دارد.

هنوز مورخین بام اروپا آثار علمی خود را بر این پایه بنیان نهاده و آنرا مبدا تحقیقات و استنتاجات خود قرار می‌دهند آنها همواره از منابع تمدن یونانی- رومی الهام گرفته و تمام پدیده‌هایش را بفتح استعمار غرب تجزیه و تحلیل می‌کنند. ولیکن تاریخ خود را مدت‌هاست از این قیدوبند یونانی - رومی آزاد گردانیده است. البته آن تاریخی که پدیده‌ها را یکطرفه قضاوت نمی‌نماید و بقول بکر «در کنار عهد کهن، فرهنگ شرق را ندیده نمی‌گیرد»^{۱۴} متأسفانه نویسندگان این تاریخ صحیح در میان غربیان معدودند ولی علیرغم کوشش اروپای مستعمره‌دار سه قرن اخیر که با تلاشی مذبحانه کوشیده است اروپایی را عنصری فوق تمدن و فرهنگ شرق جلوه‌گر سازد و غیر اروپایی

را به توحش نسبت دهد، باز مورخین و دانشمندان نام‌آوری از میان غربیان برخاسته‌اند که به اظهارات مورخین یونانی و همکاران غربی آنان شک نمایند.

در قرن بیستم در مقابل مورخین ناحق‌نویسی چون امستد^{۱۵} نویسندگان با ارزشی از میان غربیان برخاستند که یکطرفه قضاوت نکردند و امیر مهدی بدیع در اثر با ارزشش «یونانیان و بربرها» که دفاعی انسانی و فرهنگی از بنیادگرایان تمدن قدیم جهانست از آنان بینیکی نام برده است. امیر مهدی بدیع که در گوشه‌ای از سویس از واگرفته است بکار بی‌سابقه‌ای دست آورده و شناسایی ایرانیان را طبق اسناد تاریخی و در وهله اول مدارک خود یونانیان بعهد گرفته است.^{۱۶}

از آنجائیکه از ایرانیان چندان نوشتجاتی بجای نمانده است^{۱۷} لهذا بدیع برای شناختن آنان دسته‌دیگری از نوشتجات تاریخی یونان را مورد استفاده قرار داده که تا تحریر آن کتاب مورد استناد نبوده است یعنی آن روی تاریخ را ظاهر ساخته و نکاتی را دریافته که مورخین غربی قریب‌است بعهد مسکوت گذارده‌اند.

بعضی از نویسندگان دوره کهن مانند توکویدیدس، دیودوروس و پلوتارخ «آنچه را که درباره ایران باستان گفته‌نوشته و اختراع شده بود خوانده و می‌دانسته‌اند بی‌شک نوشته‌های ایشان خلاصه و جلوه‌ی است از معتقداتی که جهان باستان نسبت به شاهنشاهی هخامنشی و اتباع و پیشوایان آن داشته است. در این داستانها و نوشته‌ها ایرانیان آدمی‌تر از یونانیان وصف شده و پیشرفته و متمدتر و مهربانتر از آنتیان جلوه‌گر میشوند. . . . و از همه مهمتر آنکه در این گزارشها مناعت‌طبع و عظمت‌روحي ایرانیان بسیار بیش از رقیبان غربی ایشان به نظر میرسد»^{۱۸} متأسفانه این غربیان سه قرن اخیر هستند که جنبه‌های مثبت تاریخ را بکنار گذارده و بعضی از کوه‌بینی‌های یونانیها را بفتح استعمار قرون جدید بزرگ نموده‌اند. نویسندگان غربی باید

بدانند که اختلاف یونانیان و ایرانیان آفتدرها عمیق و مغرضانه نبوده بلکه یونانیان به تمدن و مردم شاه ایران علاقه مفرطی نشان میدادند آنان ایرانیان را هیچگاه «وحشی» نمی‌خواندند لغت «بربر» در فرهنگ نامه‌های فرنگی معنی «وحشی» گرفت «بربرها» در متون تاریخی و درام‌های یونانی با «بربر»ها در فرهنگ استعماری غربیان تفاوت فراوانی دارد «بربرها» در اصل «خارجی‌ها» یعنی عنصر غیر یونانی معنی میدهد مورخین غربی برداشت یونانی این لغت را کنار نهاده و آنرا «وحشی» و «خالی از فرهنگ» معنی کردند. یونانیان هیچگاه ایرانیان را «بی‌تمدن» و «وحشی» نمی‌پنداشتند اگر چنین بود برای شاه بزرگش اینگونه نوحه سرائی نمی‌کردند. آیسخولوس پس از شکست سالامین از شاهنشاه ایران داریوش اینگونه یاد میکند:

«آیا شاه در گذشته، داریوش شاه برابر با خدایان بانگ مرا میشوند آیا سوز و زاریها و شکایت‌های غم‌انگیز مرا که همه رنج و دردم در آن انباشته شد و به زبان خاص او که زبان روشن و آشنا

۱۳ - مراجعه شود به امیر مهدی بدیع، جلد اول ص ۴۲.
۱۴ - مراجعه شود به مقاله دکتر غلامعلی همایون، «نفوذ معماری ایران بر روی فیشرفن اراخ یکی از بزرگترین معماران دوره باروک اروپای مرکزی» مجله بررسی‌های تاریخی شماره ۳۳، سال ششم، مهر ۱۳۵۰ ص ۲.
۱۵ - مراجعه شود به:

A. T. Olmstead, History of Persian Empire.

Chicago, 1960-66.

۱۶ - این کتاب در شماره‌های ۹۰ و ۹۱ مجله هنر و مردم بوسیله آقای دکتر حسین نعیمی معرفی شده است.

۱۷ - میگویند لشگریان اسکندر دوازده هزار پوست از آثار خطی ایرانیان را به غرب حمل کردند.

۱۸ - مراجعه شود به کتاب امیر مهدی بدیع، جلد اول صفحات ۷۰، ۷۱.

به گوش او است میشوند؟

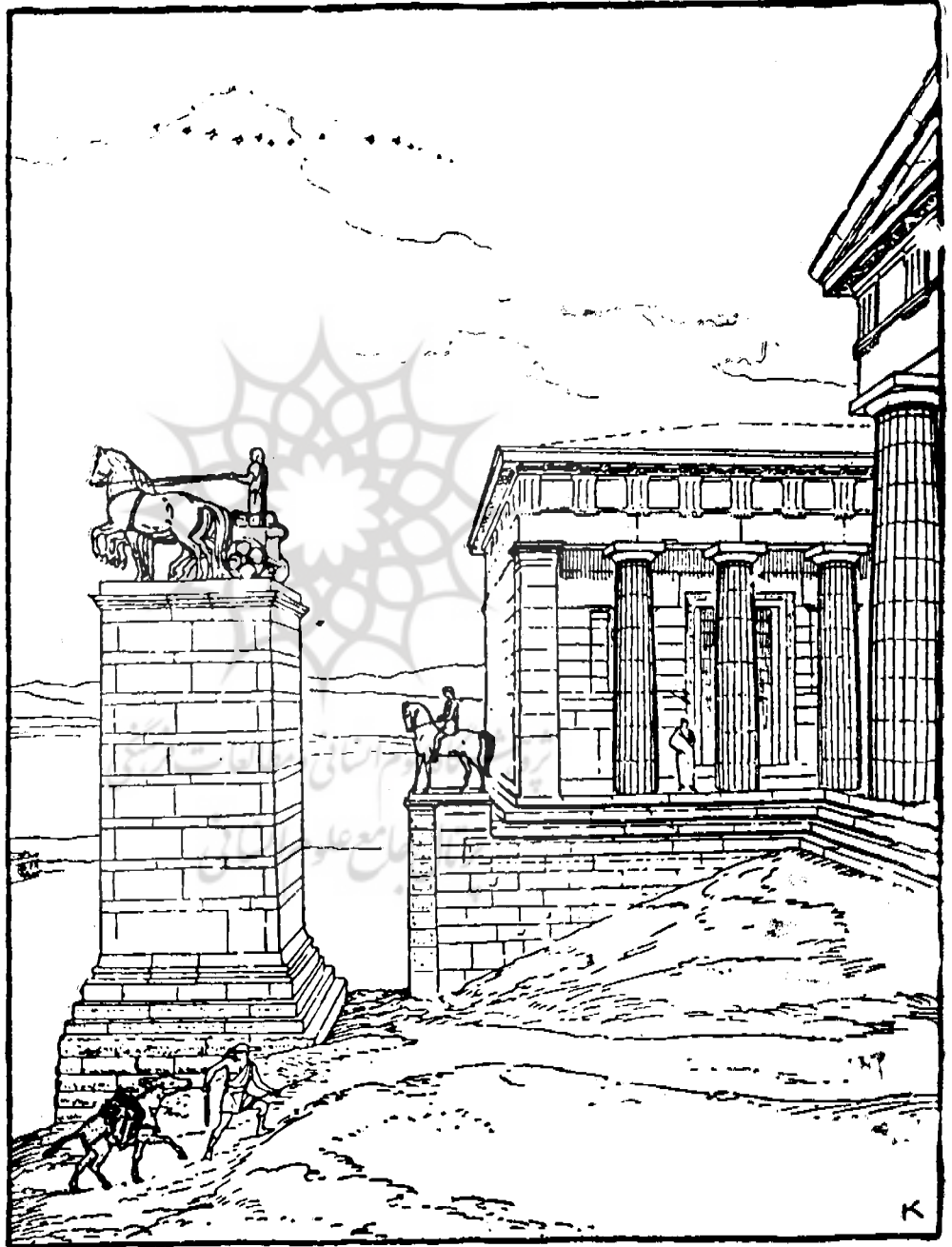
من به بانگ بلند بدبختیها ورنجهای
بی‌پایانی را که روح مرا فرا گرفته است
اظهار میدارم آیا او از قعر تاریکیها بانگ
مرا میشنود؟

ای زمین و ای ارواح جهان زیرزمینی
بگذارید که موجود الهی و باشکوه خدایی
که درشوش زاده شده و ایرانیان او را

می‌پرستند از منزلگاههای شما بیرون آید.
بگذارید که آن کسی که سرزمین ایران
مانند او را ندیده است به روشنی باز آید.
زیرا این مرد برای ما گرامی است و روح
و کرانه‌هایی که او را در خود گرفته‌اند بر ما
عزیز است. ای خدای جهانهای زیرزمین
تو ای آیه و نئوس بگذار که داریوش به
کاخ خویش بازگردد. این او نبود که

سربازان خود را به شکستهای خونین
کشانید. ایرانیان میگویند که وی آکنده
از خدا است و با الهام خدایان بوده که وی
کشتی خود را هدایت میکرد. ای شاه ای
شاه پیر به میان بازگرد. بر بالای زمین
که گور ترا پوشانده است ظاهر شو. پای
خود و پاپوش زرین خویش را بر این
سنگ بگذار و یکبار دیگر روا دار که

پروپولایون آکروپولیس آتن،
طرح از F. Krischen در سال
۱۹۲۳، عکس از ص ۲۴
AMI, 1968



پروپولایون پرسپولیس - پلکان
دو طرفه تخت جمشید، بازسازی
از پروفیسور کرفت، ۱۹۶۶، عکس
از ص ۳۵
AMI, 1968

قبه تاج شاهی را بنگریم .

آوخ که در آن هنگام که شاه پیر شاه‌توانا شاه شکست‌ناپذیر و بیعیب‌داریوش برابر با خدایان بر این سرزمین فرمان می‌راند زندگی چه با عظمت و چه زیبا بود»^{۱۹}.

آری اینگونه بزرگان یونان از عقب‌نشینی ایرانیان در سالامین ناخوشند و به شاهنشاه هخامنشی عشق می‌ورزیدند و وی را مجدداً به یونان فرامیخواندند. در فرهنگ هیچ ملتی سابقه نداشته است که روشنفکران کشوری مفتوح این چنین خواهان بازگشت سران کشور دشمن و فاتح خود باشند آیا باور کردنی است که مغزهای متفکر یونان برای سران ملتی «بربر» بمعنی «تمدن و فرهنگ» این چنین سینه چاک داده و نوحه سرائی نمایند؟ پاسخ مسلماً منفی است .

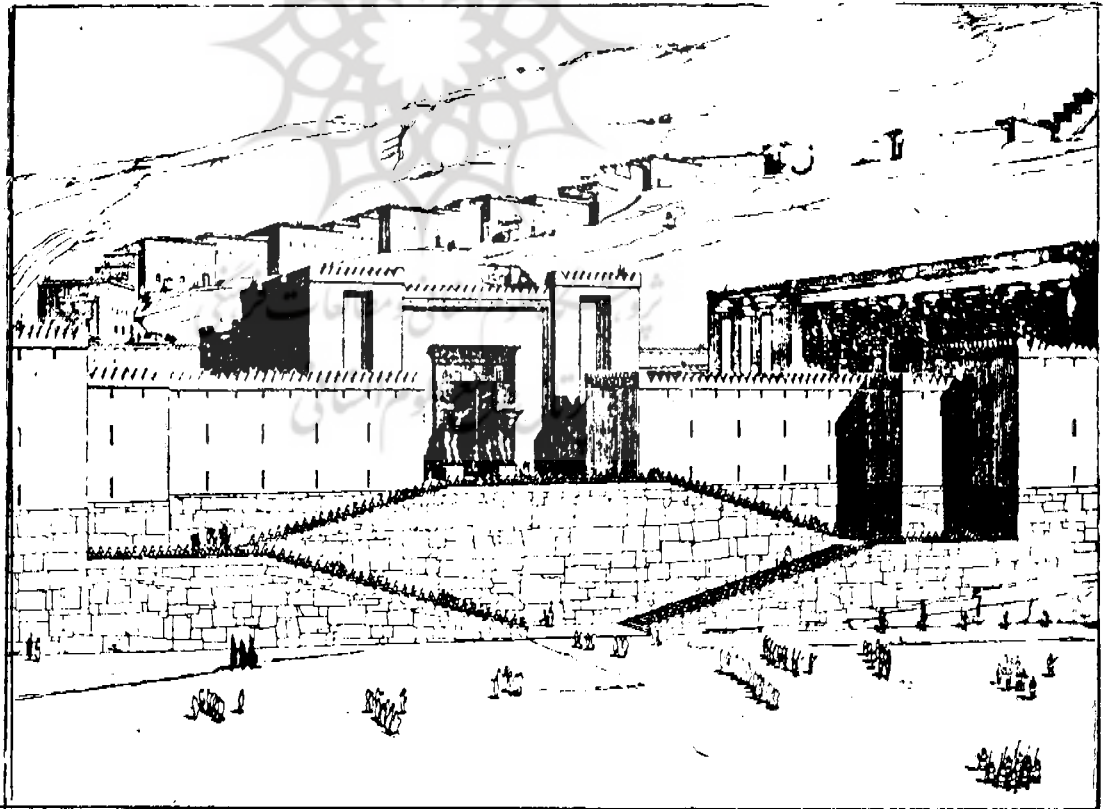
سقراط در محفلش با فلاطون می‌گوید: ما که نمیتوانیم از لحاظ تجمل با ایرانیان

رقابت کنیم بکوشیم از لحاظ فضل و دانش بر آنها برتری جوئیم . آیا میتوان باور کرد که فیلسوف بزرگی چون سقراط ملتی «بی‌فرهنگ» را نمونه و سرمشق شاگردی چون افلاطون قرار دهد علاوه بر همه اینها محبت‌هایی که ایرانیان در مورد یونانیان روا داشتند خود دلیلی است بر عظمت اخلاقی روح ملتی متمدن و با فرهنگ در مقابله با دشمنانش . در مورد محبت‌های ایرانیان به یونانیان دیودوروس مینویسد: شاه ایران (داریوش) درآمد سه شهر را به عنوان خرج سفره و رفع نیازمندیهای دیگر به تمیستوکلس بخشید . به این ترتیب تمیستوکلس «از همه بیمهائی که یونانیان برای او فراهم آورده بودند بیاسود یونانیان که چنان خدمت‌های بزرگی به ایشان کرده بود وی را تبعید کردند و کسانی که کارهای وی سبب بدبختی ایشان شده بود وی را غرق در نعمت ساختند...»^{۲۰} این داستان را که توکودیدس و پلوتارخ

نیز نقل میکنند ثابت میکند که عظمت روح و مناعت طبع ایرانیان همچون واقعیتی انکارناپذیر جلوه گر بوده است. تمیستوکلس در سالامین خشایارشا را شکست داده و ده سال پس از این پیروزی به جرم ایران‌دوستی محکوم میشود .

عظمت روحی ایرانیان که اکتسابی است و نه غریزی در این داستان تمیستوکلس کاملاً لمس میشود این عظمت اخلاقی یعنی رفتاری که ایرانیان با تمیستوکلس کردند غریزی نیست بلکه مبتنی بر یک انسان‌گرایی عمیق و احساس توجهی واقعی به رنج‌ها و بدبختیهای کسانی است که روحشان آزرده شده و تحقیر گردیده‌اند . پلوتارخ در مورد رسیدن تمیستوکلس

۱۹ - مراجعه شود به کتاب امیرمهدی بدیع ، جلد اول صفحات ۱۴۱ و ۱۴۲ .
۲۰ - مراجعه شود به کتاب امیرمهدی بدیع ، جلد اول ص ۷۰ .

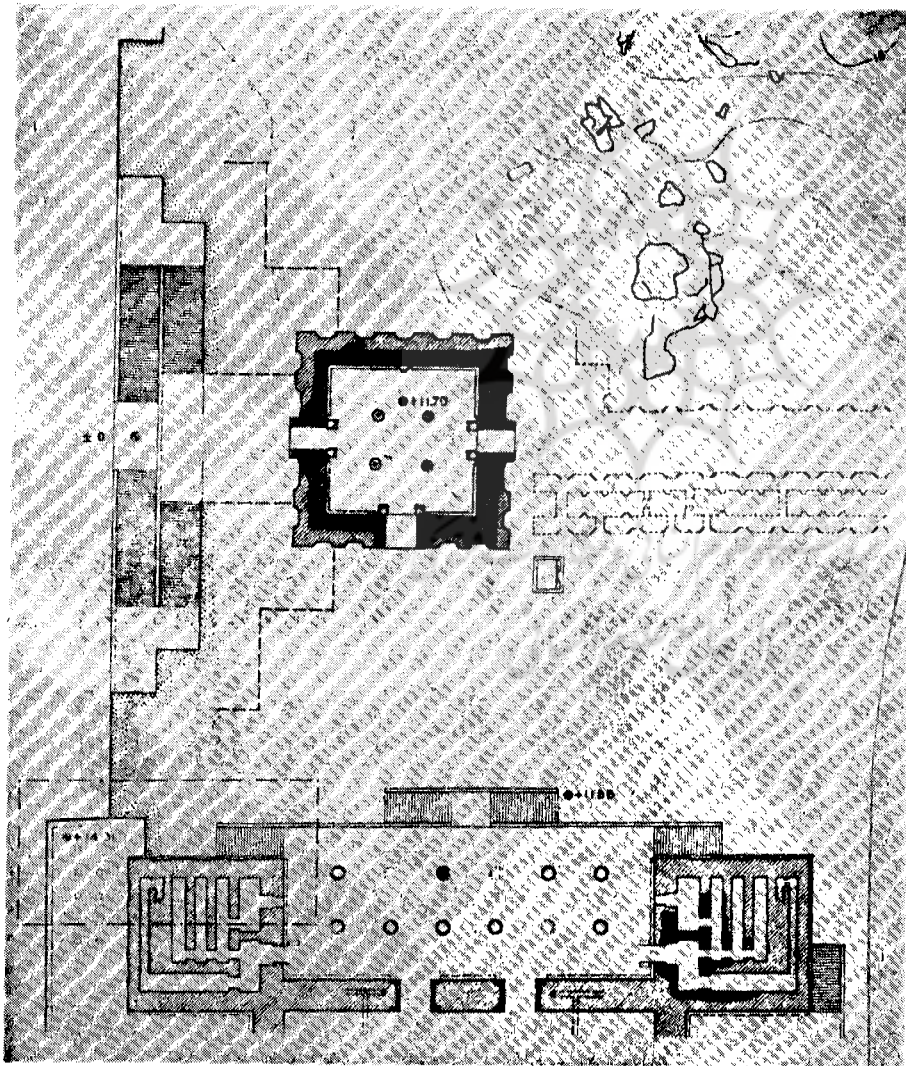


طبیعی بشری را ندیده گرفت و ستم‌گارتگری را در شرق معمول نمود همان اسکندری که پارسه شهر را با تیش کشید، اهمیت فراوانی برای مردم ایران قائل بود. اسکندر آداب و رسوم ایرانیان را پذیرفت و با دختری ایرانی ازدواج کرد و دستور داد که سردارانش و ده هزار سرباز یونانی با دختران ایرانی ازدواج کنند تا شالوده جهانی متمدن‌تر ریخته شود.^{۴۳}

از محتوای نوشته‌های مورخین و نویسندگان یونانی و رومی مانند گرنفون، افلاطون، هرودوتوس، توکودیدوس، استرابون، پلوتارخ، دیودوروس

رفتار کرده و در قلب بزرگان آن سرزمین رسوخ نمودند، کجایند آن محققینی غربی که این عظمت روحی و اخلاقی ایرانیان را در مقابل دشمن ببینند. آنان بدون شك از این عظمت فرهنگی اطلاع داشتند و عمداً خالقان تمدن بزرگ شرق را که روی غرب تأثیر فراوان نمود و من بجای خود در آن باره سخن خواهم گفت تحقیر کرده‌اند. اصولاً برای همان یونانیان «ایرانی» بودن افتخاری محسوب میگردید^{۴۴} حتی خود اسکندر که مورخین غرب درباره جلال و جبروتش خروارها کتاب سیاه کردند همان اسکندری که تمام قوانین

به دربار شوش مینویسد که داریوش هنگام خواب سه بار به شادی بانگ بر آورد که: تمیستوکلس آتن در دست منست این بانگ و شادی غریزه انسانی است آنچه که در رفتار شاهنشاه ایران نسبت به تمیستوکلس جالب است اینست که وی توانست بر این بانگ و شادی که شاید نیروی انتقام را تحریک میکرد چیره شود و نیروی اخلاقی عظیمی را در خود بوجود آورد که هنگام نومیدی و بیچارگی تمیستوکلس انتقام فاجعه سالامین را از وی که سردار قشون یونان بود نگیرد و با وی به مهربانی رفتار کند آری ایرانیان بدینسان با یونانیان



نقشه پلکان دو طرفه ، دروازه
ملل و ایوان آبادانا ، عکس از
ص ۵۹
AMI, 1968

اینکه بسیار از آداب و رسوم ایرانیان پیروی میکرد سرزنش میکردند جانشینان وی نیز بکلی ایرانی شده و جلال و جبروت دربارهای ایران را سرمشق خود قرار داده بودند سلوکوس با «آپاما دختر اسپتیا من یکی از دشمنان عمده اسکندر در سرزمین بلخ (باکتریا) ازدواج کرده بود باین ترتیب» از لحاظ تاریخ مدنیت عمومی جهان تاریخ اسکندر مقدونی جزئی از تاریخ ایران است و دوره‌ای که عصر پلاطونی یونان نام دارد در واقع دنباله منطقی تاریخ و نتیجه توسعه فرهنگ ایرانی است .
مراجعه شود به ص ۳۴ کتاب :

Roman Girshman

Iran, from the earliest Times to the Islamic conquest.
Penguin books, 1954.

۲۳ - یونانیان آسیای صغیر با مغان ایرانی از مدت‌ها پیش محشور بودند . هر اکلیت فیلسوف با روحانیون مغان ملاقات داشت . در لودییه ، کاپادوکیه و بیشتر ایالات شرق و شمال مدیترانه عبادت گاههای آتش یافت میشد که محل ملاقات یونانیان و مغان زردشتی بود .

آورند . این پایه فلسفی نیز بر اساس برتری تمدن یونانی - رومی بر تمدنهای دیگر قرار داشت . با پشتیبانی از این طریقه تفکر اروپائیان توانستند بتدریج کشورهای شرق را تحت کنترل در آورده و تاراج را آغاز نمایند . نفوذ افکار ایرانی بر فلسفه یونان باستان انکارناپذیر است . کسانتوس لودییه‌ای اولین مؤلف یونانی است که در کتاب خود از زردشت نام برد و آداب مذهبی مغان را شرح کرد^{۴۴} . همچنین تئولمپ مورخ

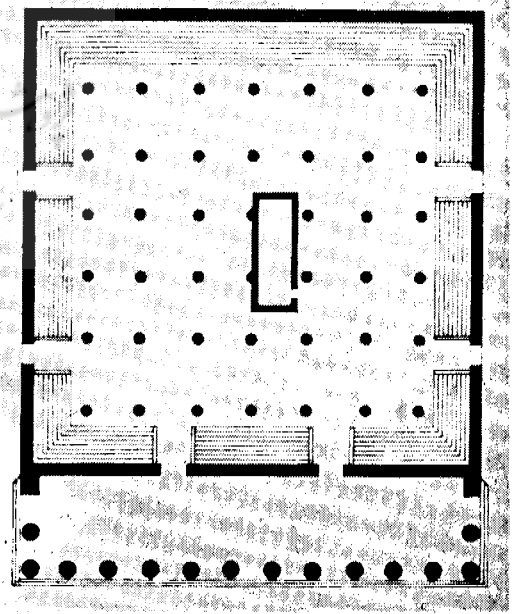
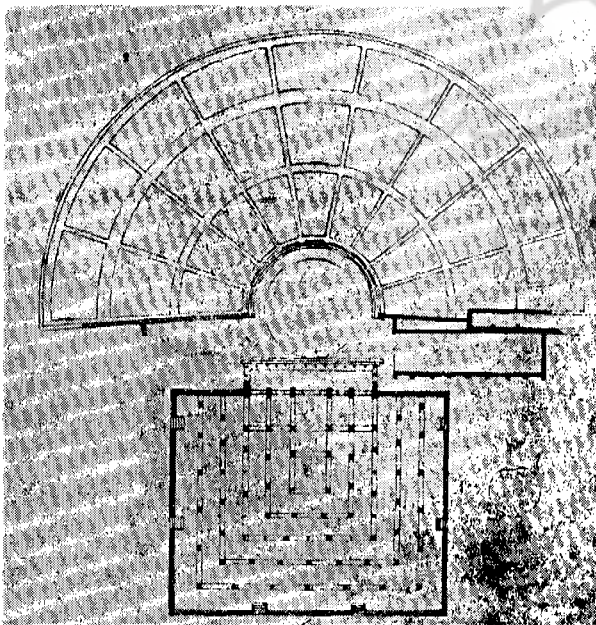
۲۱ - درباره « ایرانی » شدن اسکندر و سرداران بزرگ و مردان نامی یونان مراجعه شود به ص ۸۴ ، جلد اول و صفحات ۱۴ ، ۱۷ ، ۲۲ تا ۲۶ ، ۳۲ ، ۳۳ ، ۷۳ ، ۱۰۵ ، ۱۵۸ ، جلد دوم کتاب امیر مهدی بدیع و صفحات ۲۵ ، ۴۰ ، ۶۳ ، ۸۶ ، ۹۰ ، ۹۱ ، ۹۳ تا ۹۵ ، ۱۰۱ ، ۱۰۴ ، ۱۰۶ و ۲۴۷ کتاب رمان گیرشمن ، «ایران از آغاز تا اسلام» تهران ۱۳۴۴ .
۲۲ - اغلب مورخین اسکندر را « ایرانی شده » می‌دانند سردارانش وی را همواره از نظر

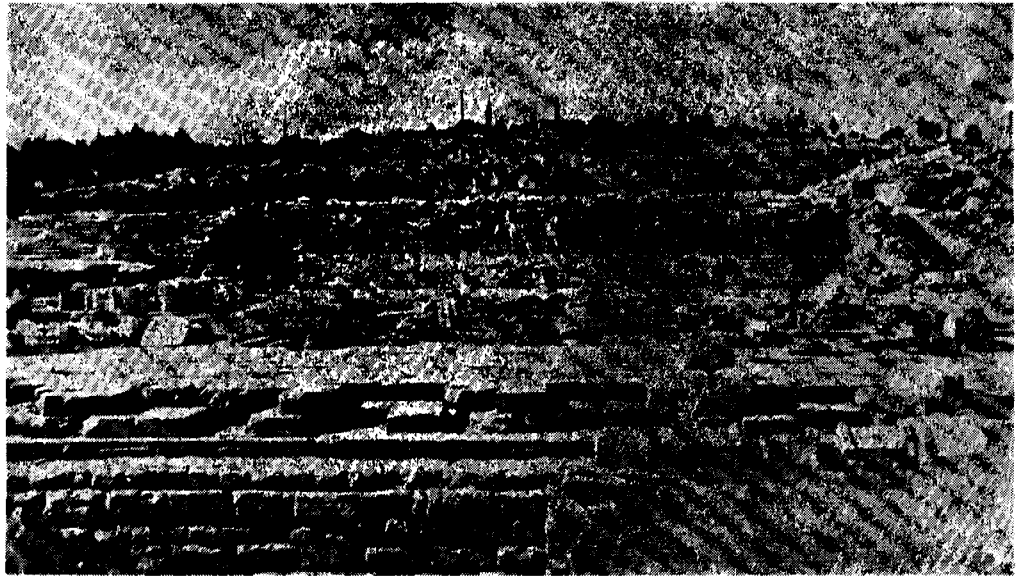
و دیگران چنین بر میآید که در وهله اول ایرانیان رقیب یونانیان بودند . یونانیان نیز ایرانیان را « ملتی غیر یونانی » و « خارجی » میدانستند بدون اینکه مخالفت و رقابت دولت تفوق فکری و فرهنگی یکی را بر دیگری شامل شود و حتی در برخی موارد یونانیان تفوق ایرانیان را می‌پذیرفتند . فلاسفه یونانی نصیحت میکردند که در بسیاری از موارد باید از ایرانیان آموخت . از قرن ۱۷ فلاسفه و علمای غرب بوسیله مبلغین مسیحی ، بازرگانان و مسافران تحقیقات هدف‌داری درباره ایران آغاز کرده و خصوصیت و کینه‌توزی را نسبت بایران آغاز کردند . توسعه صنعت و اقتصاد در اروپا و امریکا و گشودن بازارهای شرق و صدور سرمایه که بالاخره در قرون ۱۹ و ۲۰ به استعمار کشورهای آسیا و آفریقا منجر گردید ، ایجاب مینمود که پایه‌ای فلسفی برای این غارت اقتصادی بوجود

نقشه تلسیون در الویسس ، عکس از ص ۳۶ کتاب

S. Giedion Architektur und das Phänomen des Wandels Tübingen, 1969.

نقشه ترسیلیون و تاتر مگالوویلیس ، عکس از ص ۲۷ کتاب
Si Giedion





منظره عمومی تلستریون در
الوبسیس، عکس از ص ۲۶ کتاب
S. Giedion

توجه شد ولی در مقابل نقاشی روی سفال اهمیت یافت. آرکائیس هنر آن اجتماعی است که طبقه ممتازش از برزگری تغییر شکل یافته و طبقه اشرافی شهری را بوجود آورده و خود را با صنعت و تجارت مشغول داشته است زیرا هنگامیکه آرکائیس باوج خود رسید تجارت رونق گرفته و دوران ثروتمند شدن شهرها و کولونیالیسم و نتیجتاً معماری نمایشی و تندیس سازی مونومنتال آغاز شد. این هنر شهری وضد سنتی نتوانست خود را کاملاً از هنر هندسی متمایز سازد، اگرچه ناتورالیسم دوره کلاسیک نیز با کرهای ظریف سبک ایونی و پیکره های دینامیک، فعال و سنگین دوری از همین دوره شکل گرفته اند.

بحث و جدل فراوان ما یعنی هنر دهقانی هندسی از حدود ۷۰۰ پ. م. و هنر دینامیک، هرج و مرجی سخت در هنر یونان ایجاد کرد و موجب ورود عناصر و مضامین شرقی گردید.

اقتصاد قرون هشتم و هفتم پ. م. شرق هرچه بیشتر به سوی زندگی شهری گرایش کرد و بر روی تجارت و صنعت استوار شد بطور کلی این اقتصاد در انحصار پادشاهان و روحانیون معابد بود و آنان راه تجارت با غرب را هموار نموده

نیز یونان بر هنر و معماری ایران اثر گذارد که آنرا در آینده بررسی خواهیم کرد^{۴۷}. ابتدا هنر دوره آرکائیک یونان تحت تأثیر شرق قرار گرفت.

کلمه آرکائیک از لغت یونانی آرشه^{۴۸} «آغاز» مشتق گردید. باستان شناسان بدین مناسبت قرون هفتم و ششم پ. م. را دوره آرکائیک خوانده اند که می پنداشتند هنر یونان از ابتدای قرن هفتم پ. م. آغاز میگردد. در صورتیکه از میانه قرن دوازدهم تا هشتم پ. م. در یونان آثاری بدست آمد که بمناسبت اشکال هندسی فراوان آنها «بدوران هندسی» مشهور گردید، دوران هندسی اولین مرحله هنر یونان محسوب میگردد.

در طول مدت قرن هشتم پ. م. سبک هندسی یونان با فول گرائید و بتدریج عناصر انقلابی خارجی جانشین موتیف های هندسی گردید. این تحول سبب مناقشه ای دشوار مابین عناصر سخت و منظم قدیمی و عناصر دینامیک و درهم جدید شده که نتیجتاً منجر به آرکائیس گردید.

هنر آرکائیک شامل عناصر شرقی و غربی و اقتصاد شهری ایونی و اقتصاد دهقانی شبه جزیره اصلی یونان است. در اوائل دوره آرکائیک کمتر به معماری

معروف در قرن چهارم قبل از میلاد نیز رساله ای درباره آئین مزدا تحریر نمود^{۴۹}. الهیات مزدائی روی فلسفه یونانی تأثیر شایانی کرد در افکار دموکریت پدیده هائی یافت میشود که از عرفان ایرانی اقتباس گردیده است در بعضی از نکات فلسفه افلاطون شاگرد سقراط بخوبی نظریات و افکار زردشت منعکس گردیده است^{۵۰}.

افکار ایرانی آنقدر در فلسفه مؤثر بود که میگویند زردشت پیشقراول افلاطون بود و وی برگشت زردشت بشمار میآید. از شاگردان افلاطون تعداد زیادی تحت تأثیر فلسفه ایرانیان بودند و حتی ارسطو نیز در اوائل کار تا اندازه ای افکار ایرانی را پذیرفت. درباره تشکیلات سلطنت و افکار غربیان درباره شخص سلطان و مقام سلطنت نیز غرب تحت تأثیر ایران قرار گرفت. مقام شاهنشاهان هخامنشی در جهت فرم دادن به مقام و رتبت پادشاهان غرب نقش مؤثری داشت. دیادوکها جانشینان اسکندر به تقلید از پادشاهان هخامنشی فکر سلطنت را در غرب رواج دادند و امپراطوران رومی که نخستین مقلدین سلطنت بودند از دیادوکها سرمشق گرفتند^{۵۱}.

هنر و معماری یونان در موارد خاصی تحت تأثیر ایران قرار گرفت. در مواردی

و کالاهای خود را به غرب منتقل مینمودند هنرمندان یونان در اثر تماس با این کالاها تحت تأثیر قرار گرفته و در آثارشان موتیف‌های شرقی پدیدار میگردید.

در گورستان دی پی لون در کنسار اشیاء دوره هندسی یونان اشیائی مربوط به قرن هفتم پ. م. پیدا شد که شامل قطعاتی از یک سفنکس است (تصویر ۱). این قطعات بعدها بیکدیگر پیوند شد و یک سفنکس کامل گردید. این تندیس که از گل رس پخته ساخته شد علیرغم ارتفاع ۳۰ الی ۳۵ سانتیمتری اش بسیار عظیم بنظر میآید. بر روی سروبالهای این حیوان افسانه‌ای یک سینی قرار دارد که محل سوختن ادویه‌جات خوشبوست. نشستن با وقار و شاهانه این حیوان با بالهای نوسان‌آمیز و ظریف و سر مغزور خود مبین قدرت و احترام و جامد و مرتبت اشرافیت شرقی است که بصورت کالای صادراتی وارد یونان گردید.

یکی از مهمترین آثار کشف شده در اولومپیا سر حیوان افسانه‌ای است که زینت یک دیک برنزی بوده است (تصویر ۲). گوش‌های بلند نوک باریک این حیوان، شکوفه چترمانندی که روی ابروان آن

قرار گرفته و همچنین دهان باز زیاده از حد آن همگی از دنیای تفکرات شرق اقتباس گردیده است.

از حدود ۷۰۰ پ. م. نقاشان یونانی بتدریج آثار خود را بر روی ظروف سفالی آزموده و امضاء مینمودند. قدیمترین کار هنری امضاء شده گلدانی است که آریستو-نوتوس^{۲۹} نقاشی نمود^{۳۰} در کارهای سفالی نیمه اول قرن هفتم پ. م. نظم هندسی قدیمی بکلی محو و هنری نامنظم در پهنه حوزه‌های فرهنگی یونان مسلط گشت. قرن هفتم پ. م. یونان، قرن شکست فرم‌های نظم قدیمی و تسلط هرج و مرج محسوب میگردد.

در حدود سال ۷۲۰ پ. م. خمرهای با ارتفاع ۵۲ سانتیمتر ساخته شد (تصویر ۳). گردن بلند و مبالغه‌آمیز این ظرف بر روی شیب تند بدنه آن استوار و تناسب و توازن اندام آنرا بخطر انداخته است. نقاشی‌های روی گردن این ظرف هنوز آثاری از سبک هندسی را نمایان میسازد ولی بطور کلی تزئیناتش با آن دوره تفاوت بسیار دارد. مردان از طرف چپ و زنان از دست راست دست اندر دست هم و گل و گیاه حمل‌کنان «رقص ردیفی» بر میدارند

در میان گردن ظرف بسختی اندام مردی

۲۴ - میگویند فیثاغورث برای استفاده از محضر تعالیم زردشت به بابل رفت.
۲۵ - میگویند افلاطون تمایل داشت به ایران سفر نماید ولی از مسافرت وی به ایران ممانعت شد و وی بناچار به فینیقیه رفت و در مکتب مغان فینیقیه‌ای مطالبی آموخت. نظریه مثل وی تا اندازه‌ای تحت تأثیر افکار زردشتی است. احتمالاً افلاطون شاگردی ایرانی داشت بنام مهرداد مراجعه شود به ص ۲۱ مقاله:

Heinz Lushey, Iran und der Westen von Kyros bis Khosrow. AMI Band I 1968 15-37.

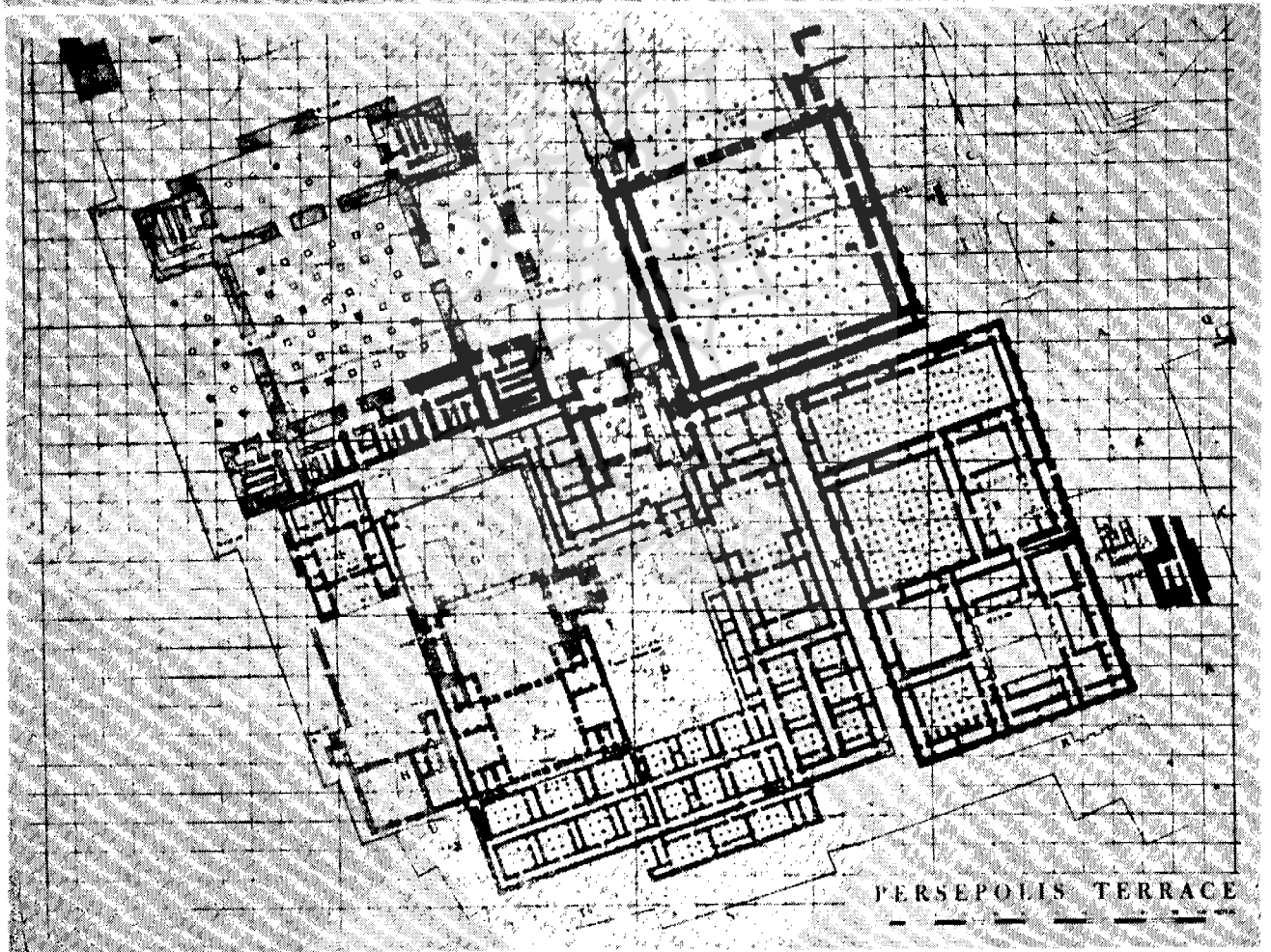
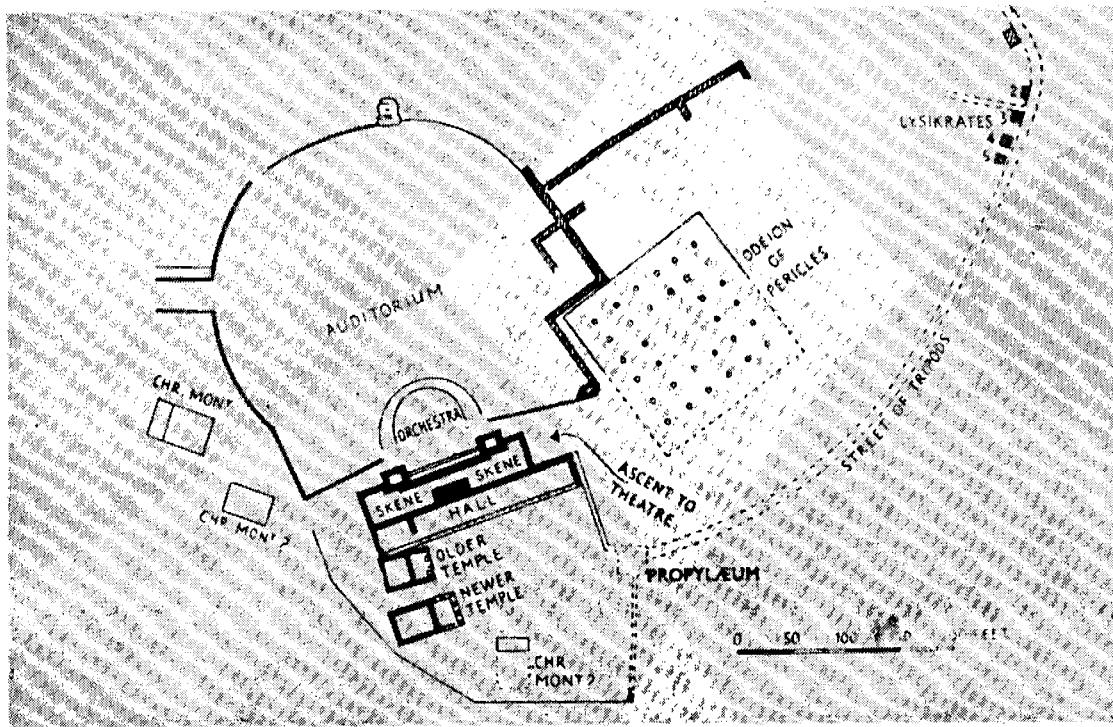
۲۶ - مراجعه شود به مقاله ج. ه. ایلیف «ایران و دنیای قدیم» در میراث ایران، تألیف سیزده تن از خاورشناسان، تهران، ۱۳۳۶.
۲۷ - برای کتاب‌شناسی نفوذ هنر و معماری شرق در غرب به ص ۳۳۴ تا ص ۳۷۵ رساله زیر مراجعه گردد:

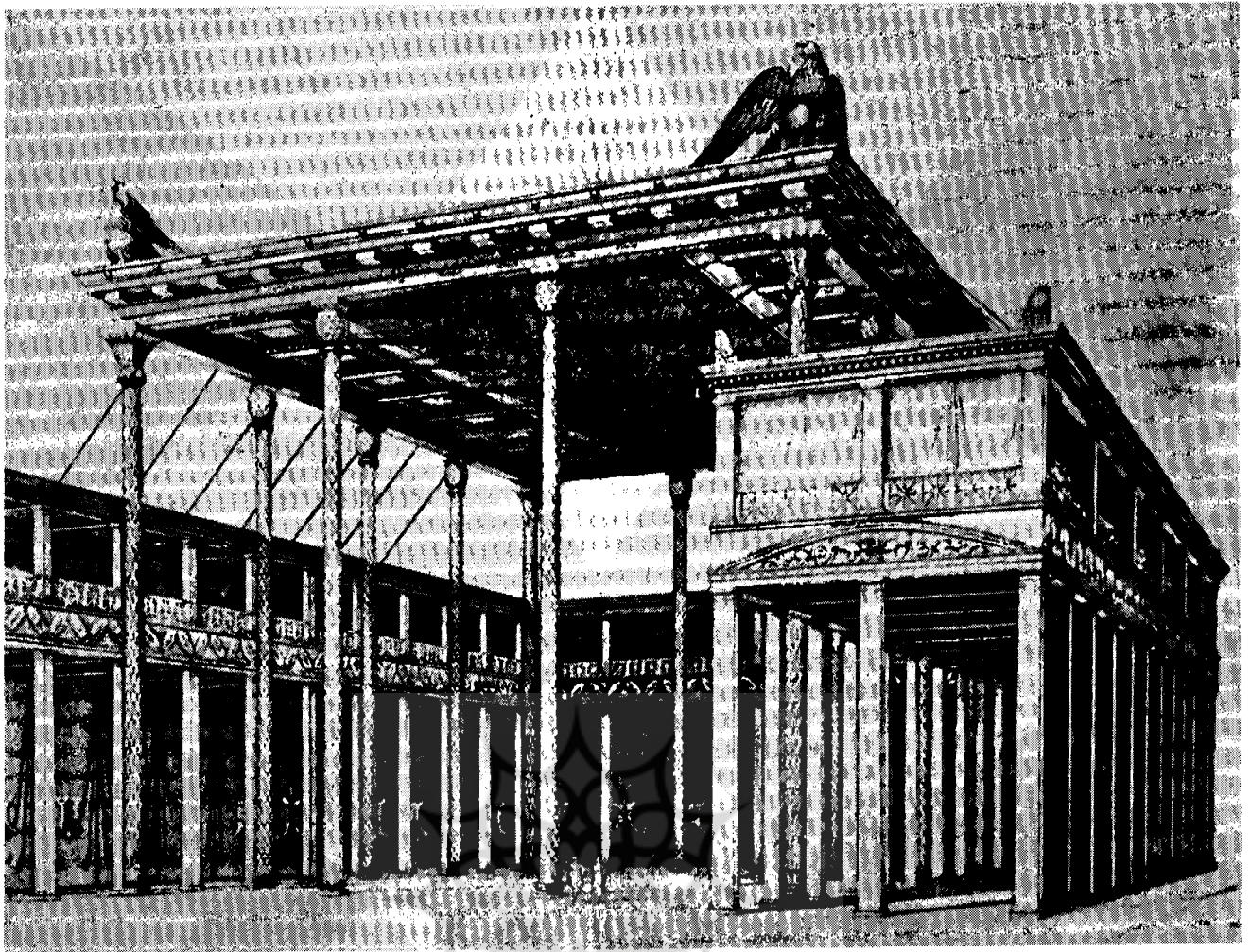
Dr. Gholamali Homayoun
Iran in europäischen Bildzeugnissen vom Ausgang des Mittelalters bis ins achtzehnte Jahrhundert. Köln, 1967.

Arche - ۲۸
Aristonothos - ۲۹
۳۰ - مراجعه شود به ص ۷۴ کتاب:
A. Hauser



محل نشیمن در عقب تلستریون،
عکس از ص ۲۷ کتاب
S. Giedion





خیمه پتوله میوس دوم ، بازسازی از اشتونیز کا ۱۹۱۴ ، عکس از :
AMI, 1968 Bd. I, Tafel 24.

ملاحظه میگردد که در حال نواختن چنگ است. طراحی اندامها و طریقه ردیف شدن آنها از فرم مراسم تشییع جنازه در نقاشی های دوران هندسی گرفته شده است با این تفاوت که موضوع تغییر جهت داده و شادی و سرور جای نشین ماتم و عزا گردیده است. قسمت فوقانی پیکره ها را لوزی هائی فرا گرفته و در کنار آنها پیچک هائی مشاهده میگردد. در قسمت پائین اندامها یعنی جاییکه گردن ظرف به بدنه آن وصل میشود پیچک های دوگانه نقاشی شده است. نقوش مابین دو دسته ظرف عبارتند از دوشیر که باوقاری خاص روی در روی یکدیگر گام برمیدارند. شیران با بلند کردن دست بقصد حمله ، یکدیگر را بمبارزه می طلبند . محیط اطراف شیران را گیاهان مختلف بخصوص برگ درختان نخل فرا گرفته است . در قسمت پائین تر یک ردیف پرنده و در زیر آن یک

صفحه مقابل — بالا : نقشه اودئون و آودیتوریوم آتن ، عکس از ص ۲۳
AMI, 1968.

پائین : نقشه قسمتی از تخت جمشید ، عکس از ص ۳۵ کتاب
S. Giedion

ردیف آهو و درپائین‌ترین قسمت دوردید
زینت هندسی ملاحظه می‌گردد. اکنون
این سؤال پیش می‌آید که پدیده‌های
غریبه‌ئی مانند شیر، پلنگ، شکوفه‌های
لوتو و درختان نخل بچه شکل و از کجا
بر روی ظروف سفالین یونانی نقش
گردیده‌اند (تصویر ۴). زیرا هنرمند
یونانی آنها را هرگز بچشم ندیده بود.
در اینجا باید با کمال اطمینان همانطوریکه
بعضی از باستان‌شناسان اروپایی قبلاً
در اینباره مطالبی نگاشته‌اند اظهار داشت
که ظروف و کالاهای شرقی که نقوش
فراوانی از این قبیل داشتند الهام‌بخش
هنرمند یونانی گردیده و هنر دوره آرکائیک
را شدیداً تحت تأثیر قرار داده‌اند. این
کالاهای از کلتی‌های یونان به سرزمین اصلی
منتقل می‌گردید. از اواسط قرن هشتم پ. م.
شهرهای متعددی در کناره‌های مدیترانه
بوسیله یونانیها ساخته شد.

این کلتی‌های یونانی محل تجارت
و دادوستد شرق و یونان گردیدند و در این
نقاط تجارت یونانی و شرقی بایکدیگر ملاقات
نموده و کالا مبادله مینمودند.

نقوش مشربه معروف تپه سلیک کاشان
از قرون نهم و هشتم پ. م. با نقوش خمره
فوق‌الذکر کاملاً قابل مقایسه بوده و اثبات
میدارد که هنرمند یونانی بدون شك تحت
تأثیر عناصر شرقی این قبیل ظروف قرار
گرفته است.^{۴۱} در دوره کلاسیک، ایران
بیشتر در جهت فعالیتهای معماری، یونان
را تحت تأثیر قرار داد.

اصولاً در تاریخ معماری بطور اعم
میتوان سه کنسپسیون^{۴۲} فضائی تشخیص
داد.^{۴۳} نخستین کنسپسیون فضائی شامل
معماری عهد کهن جهان باستانست که
برای جنبه‌های پلاستیکی و عظمت ساختمان
و روابط فضاهای خارجی آن اهمیت
فوق‌العاده‌ای قائل میشدند. دومین
کنسپسیون فضائی در غرب شامل معماری
رومیها تا آغاز عصر جدید است که در آن
بیشتر به فضاهای داخلی ساختمان توجه
می‌گردید. در شرق و بخصوص در ایران

میتوان اظهار داشت که دومین کنسپسیون
معماری احتمالاً از دوره هخامنشیان آغاز
گردید زیرا معماری هخامنشی به گسترش
فضاهای در داخل ساختمان توجه فراوانی
مبذول میداشت ولی بطور کلی کنسپسیون
دوم معماری در ایران در اوائل معماری
دوره ساسانی قویاً آغاز گردیده و بعدها
در دوره سلجوقیان به نهایت تکامل خود
رسید.

سومین کنسپسیون فضائی در غرب
شامل معماری مدرن میشود که در آن
جنبه‌های پلاستیکی فضای خارجی و فضای
داخلی ساختمان همگی در یک طراز معین
رعایت می‌گردد. احتمالاً کنسپسیون اخیر
در ایران از دوره تیموریان آغاز و در دوره
صفویه باوج تکامل خود رسید و در اواسط
دوره قاجاریه رو به انحطاط رفت که
مستلزم مطالعه اساسی رطویل‌المدت است.
اولین کنسپسیون فضائی شامل معماری،



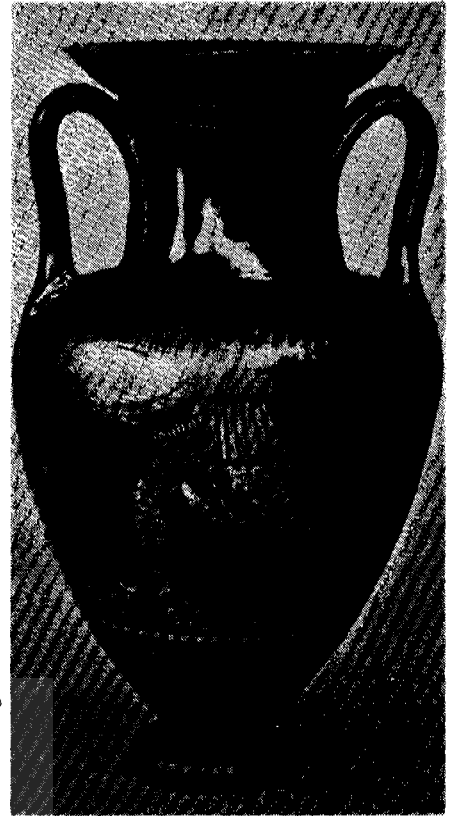
یک جنگجوی ایرانی، آمفورا، حدود ۴۶۰
پ. م.، عکس از
AMI, 1968 Bd. I, Tafel 6.

تمدن‌های بزرگ ایران، بین‌النهرین،
مصر و یونان باستان است که در حقیقت
محصول طریقه تفکر شرقیان است. معماری
اهرام ثلاثه مصر، معابد بین‌النهرین،
کاخ‌های هخامنشیان و معابدی نظیر پارتنون
بیشتر بر روی فضای خارجی و جنبه‌های
پلاستیکی ساختمان تکیه می‌کند و معماری
دوره کلاسیک یونان بعنوان آخرین مرحله
این کنسپسیون ظاهر می‌گردد و کوشش
میکند که فرم‌های پلاستیکی تمدن‌های
بزرگ شرق را با روحیه دمکراسی یونانی
تطبیق دهد.

در یونان بکار گرفتن چوب، آجر
و خشت بتدریج از اواخر قرن هفتم پ. م.
منسوخ شد و سنگ بعنوان مهم‌ترین مصالح
ساختمانی امکانات بیشتری برای ساختمان
بناهای بزرگ فراهم نمود و بالنتیجه
معابد مونومنتال بوجود آمد. اگرچه
این ساختمان‌ها بعضی معابد و مقصور شرق
نبود ولی جنبه‌های مونومنتالیت و نمایشی
آن کاملاً هویدا بود.

در تاریخ معماری جهانی، معماری
دوره هخامنشیان همانند نقطه عطفی است.
معماران دوره کالکولیتیک (عصر
فلزات) شرق بخصوص از هنگام کتابت و
آغاز تاریخ همواره به بدنه سنگین و پر
ساختمان توجه داشته و آنرا نماد جاودانی
میدانستند. از ابتدای تسلط هخامنشیان
اوضاع و احوالات اجتماعی دگرگون شد
و احتمالاً فضا در معماری نماد ابدیت
محسوب گردید.^{۴۴}

در هر صورت اگر معماری را فقط
«خلق فضای» داخلی تصور نمایم اولین
تفکرات درباره آن از معماری دوره
هخامنشیان آغاز شد. بدون شك معماری
هخامنشی در جهت خلق فضا به معماری
دوره کلاسیک یونان برتری دارد. معماران
ایرانی برای خلق فضای مناسب‌تر و وسیع‌تر
چاره‌ای ندیدند جز اینکه ستونها را بلند
گرفته و فواصل آنها را زیادتر نمایند.
آنها توانستند با تیرهای چوبی سقف
تالارها را به پوشاندن در نتیجه فواصل



داریوش، ظرف سفالی، موزه واتیکان، میانه
قرن پنجم پ. م، عکس از
AMI, 1968 Bd. I, Tafel 10.

فضاهای معابد یونانی مطبوعی خلق کرد
که انسان را فرح می‌بخشد. وی احتمالاً
در خلق این فضا تحت تأثیر معماری
هخامنشی قرار گرفت زیرا آن، خاطره
کاخ‌های هخامنشی را زنده مینماید.

مورخین هنر و باستان‌شناسان غرب
همواره آکروپولیس آتن را یک پدیده
کاملاً یونانی معرفی کرده و آنرا نهایت
قدرت معماری دوره کلاسیک دانسته‌اند.
این فکر کاملاً محترم و مورد قبول ولی
به قسمت نخستین آن نمیتوان اعتقاد کامل
داشت یعنی نباید پذیرفت که آکروپولیس
صد درصد و بطور کامل محصول تراوشات
افکار یونانی است.

آکروپولیس آتن و پرسپولیس شیراز
قابل مقایسه است. این مقایسه را برای
اولین بار لورنس^{۳۷} انجام داد متأسفانه
مقاله لورنس را تاکنون مطالعه نکرده‌ام

۳۱ - مراجعه شود به عکس ۴۱۶ و صفحات
۳۳۴ و ۳۳۵ کتاب:

Roman Ghirshman
Persia from the origins to
Alexander the Great.
France, 1964.

۳۲ - Konzeption، خلاقیت، اولین
تشریح خالقانه.

۳۳ - مراجعه شود به ص ۱۰ کتاب:
S. Giedion
Architektur und das Phänomen
des Wandels.
Tübingen, 1969.

۳۴ - مراجعه شود به مقاله:
Karl Scheffold
Die Gestaltung des Raumes in
der frühen iranischen und griechi-
schen Kunst.
AMI Bd. I 1968 49-62.

Propylaion - ۳۵
Mnesikles - ۳۶
۳۷ - مراجعه شود به:

A. W. Lawrence
The Acropolis and Persepolis,
JHS 71, 1951.

در اواخر قرن پنجم احتمالاً تحت تأثیر
معماری هخامنشی در یک مورد ساختمان
پروپولایون^{۳۵} در آکروپولیس آتن اندکی
فضای داخلی اهمیت یافت.

پروپولایون آکروپولیس آذرهدو
جانب شهر و کوه دارای شش ستون دوریک
است. فواصل مابین ستونهای وسطی بیشتر
از ستونهای طرفین است (تصویر ۶).
بخاطر ارتفاع زیادتر، سقف بوسیله دو
ردیف ستون ایونی نگهداری میشود زیرا
قطر ستونهای ایونی در قسمت پایین میتواند
باقطر ستونهای دوریک برابر و در عین حال
دارای ارتفاع زیادتری باشد. منه سیکلس^{۳۶}
معمار پروپولایون توانست با ارتفاع
زیادتر فضا را وسعت بخشد. از طرف دیگر
برای پوشش ناو مرکزی بمناسبت فواصل
زیادتر ستون‌ها، وی مجبور شد که از
تیرهای سنگی ۸ متری یعنی طویلترین
تیر در نوع خود، استفاده نماید. بدینوسیله
منه سیکلس فضایی مناسب و نسبت به

زیاد ستونها برایشان مسئله‌ای نگردید
و فضای مناسب و مطبوعی برای معاشرت
و حل و فصل مسائل ملی و بین‌المللی در
تالارها بوجود آمد (تصویر ۵).

ارتفاع ستونهای تخت جمشید تا
بیست متر کشانده شد، پدیده‌ای که معماری
یونان تا دوره هلنیسم نتوانست بدان برسد.
معماران تخت جمشید فواصل ستون‌ها را
تا ۹ متر وسعت دادند موقعیتی که معماری
یونان را هرگز نتوانست دربرگیرد. در
معماری یونان این اندازه‌ها بدست نیامد
و آنان نتوانستند از فضای باز در داخل معابد
خود استفاده نمایند زیرا ستونها تنگ در
آغوش یکدیگر قرار گرفته بود. خصوصیات
فضاهای تالارهای هخامنشی هنگامی
اهمیت می‌یابد که ما در ترکیب داخلی
فضاها در معماری یونانی در قرون پنجم
و چهارم پ. م. تعمق کنیم. یونانیان بنا بر
خصوصیت معماری خود برای فضای
درونی بناها اهمیتی قائل نمیشدند فقط



بادشاه بزرگ ویک یونانی ، نشان از آپولونیا Apollonia ، اوائل
قرن پنجم پ . م ، عکس از AMI, 1968 Bd. I, Tafel 6



داریوش ، نقش برجسته از تخت جمشید ، موزه ایران باستان ، عکس از
AMI, 1968, Bd. I, Tafel 9.

منطقی و چشمی صحیح مابین بناها و رعایت
استقلال و شخصیت آنها میتوانیم طراحی
گروهی بنامیم .

در آکروپولیس آتن مابین بناها
رابطه‌ای منطقی و مناسب (همه‌گرائی)
برقرار است و ضمناً هر بنائی به تنهایی
استقلال و شخصیت خود را نیز کاملاً حفظ
کرده است (فردگرائی)، معبد پارتنون
در آکروپولیس آتن بعنوان یک بنای
مستقل بایک پارچگی کامل، استوار بر جای
ایستاده است و معبد ارشائون^{۳۹} نیز، اگر
از دروازه پروپولایون نظری به آنها
بیفکنیم هر دو بنا را با زاویه‌ئی برابر

منعکس گردد . خلق چنین شهر شاهانه‌ای
بر روی صفا تخت جمشید مستلزم یک
طراحی گروهی است .
آکروپولیس آتن نیز با رعایت
قوانین طراحی گروهی تنظیم گردیده زیرا
پیاده کردن افکار اجتماعی همه‌گرائی و
فردگرائی در معماری یونان ، همانند پیاده
کردن افکار شاهنشاهی هخامنشیان در
معماری ایران ، مستلزم بکار بردن قوانین
طراحی گروهی است .

طراحی بناهای مذهبی در یک مجموعه
محصور مذهبی و همچنین طراحی تالارهای
اجتماع در یک آگورا^{۴۰} را با رعایت روابط

ولی بعقیده اینجانب آکروپولیس و
پرسپولیس از دو جهت قابل مقایسه هستند.
ابتدا اینکه آکروپولیس بر روی صفا
بنا شده است چنانکه پرسپولیس ، با در نظر
گرفتن اینکه ساختن صفاها در شرق
دارای سابقه بیشتری است تا غرب ، دوم
مسئله طراحی گروهی است - هخامنشیان
برای اینکه عظمت کشورهایشان در پایتخت
شکوهمند و تشریفاتی‌شان منعکس گردد
عقیده داشتند که باید شهری مرکب از
بناهای معظم بر روی صفاهای عظیم بوجود
آید تا عظمت شاهنشاهی هخامنشی در
دیده خارجیان و نمایندگان ملل مختلف

می‌یابیم. زاویه دید از دروازه پروپولایون نسبت به هر دو بنا برابر است^{۴۰} همچنین اگر از دروازه پروپولایون به غرب نظر افکنیم ساختمان‌های پنوکس^{۴۱}، آریو-پاگ^{۴۲} و آگورا را در سه سطح متفاوت در کنار آکروپولیس می‌یابیم.

بدین ترتیب از پروپولایون میتوان با یک نگاه تمامی بناهای مهم شهر را از نظر گذراند از طرف دیگر توجه به سطح افقی در معماری بوسیله صفحه‌ها اعمال میگردد صفه تخت‌جمشید خطوط وسطوح افقی را مؤکد میدارد و رابطه منطقی را مابین ساختمانها حفظ میکند. همین سطح افقی در معماری یونان مؤثرترین رابطه مابین عناصر سه بعدی و دوبعدی میباشد سطوح افقی خطوط اصلی رابطه منطقی بناها را در طراحی گروهی بوجود می‌آورد بدین سبب صفحه‌ها نقش بسیار مهمی را در معماری یونان بعهدده دارد از صفه سرپله‌ای هرایون^{۴۳} در آرگوس (قرن ششم پ. م) معبد آپولون در کورینت ۵۴۰ پ. م. معبد آفائیا^{۴۴} در آگینا ۵۰۰ پ. م. تا معبد آپولون در دلفی و آکروپولیس آتن همگی در پیاده کردن افکار فوق‌الذکر مصر بوده‌اند.

هینز لوشای نیز به موضوع مقایسه آکروپولیس و پرسپولیس علاقمند است. وی مینویسد که پرسپولیس به فهم و درک بیشتر آکروپولیس کمک میکند^{۴۵} و می‌افزاید که هنگام ساختمان آکروپولیس یک راه مارو پائین را به بالا وصل میکرد. و پلکان ورودی آکروپولیس در دوره هلنیسم و یا دوره رومیها ساخته شد (تصویر ۷) و احتمالاً تحت تأثیر پلکان دوطرفه تخت جمشید قرار گرفت^{۴۶} (تصاویر ۸ و ۹). در کنار معابد را استگوشه یونانی تالارهای مربع شکل ستون‌دار، هوپوستول^{۴۸} نیز نضح گرفت. اولین هوپوستول در حدود ۱۵۰۰ پ. م. در مصر بوجود آمد^{۴۹}. نظایر آن با تناسبات بهتر و عاقلانه‌تر در اوائل هزاره اول پ. م. و میانه آن بعد کافی ملاحظه میگردید^{۵۰}.

هوپوستول‌ها بشکل میسترین^{۵۱} از زمان اشاعه عرفان در قرن ششم پ. م. در یونان بوجود آمدند. هوپوستول الویسیس^{۵۲} (تصویر ۱۰) با نقشه مربع شکلش در میانه قرن پنجم پ. م. و هوپوستول لگلوپولیس (تصویر ۱۱) در قرن چهارم پ. م. بدون شك تحت تأثیر تالارهای ایرانی از قبیل آپادانای شوش و تخت جمشید قرار گرفته بود^{۵۳}.

ساختمان ۴ در ۵ ردیف ستونی ایکتینوس^{۵۴} (تصاویر ۱۲ و ۱۳) بر روی ساختمان ۶ در ۷ ردیف ستونی قدیمی ساخته شد که با ستونهای متعدد احتمالاً با بناهای اورارتوئی قابل مقایسه است.

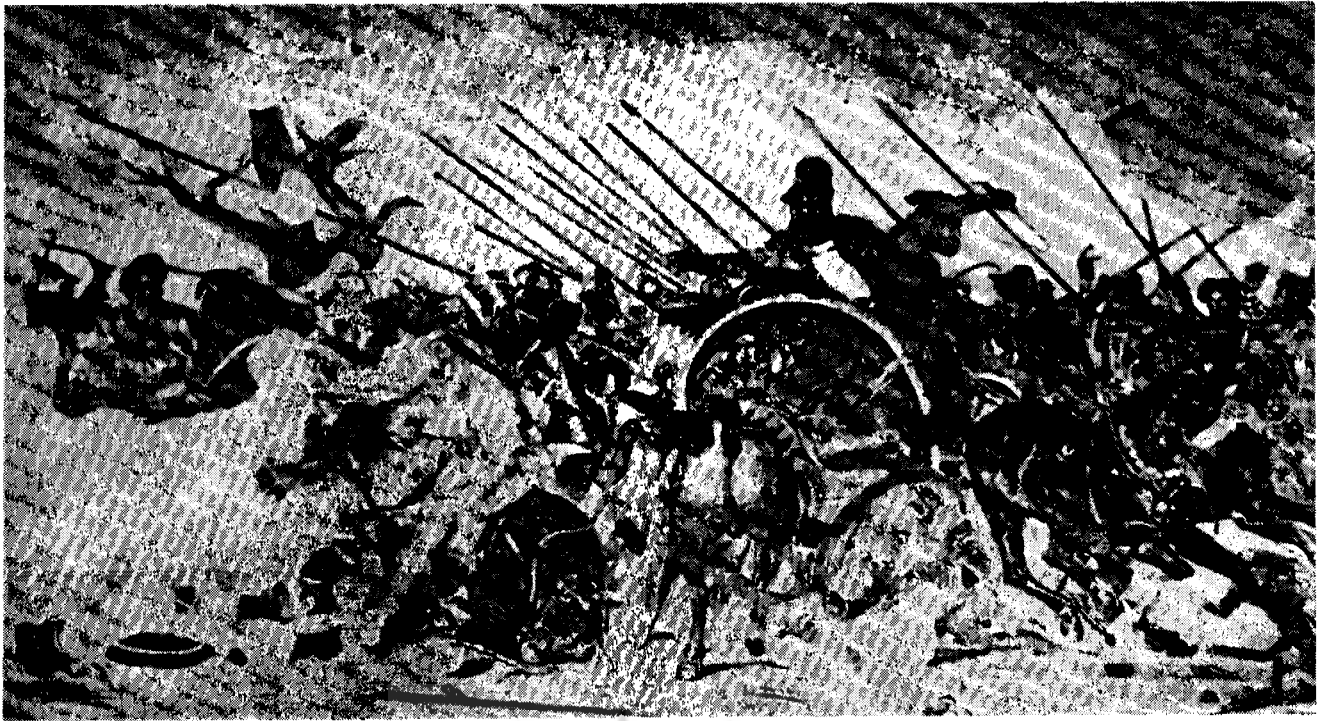
در شهر یونانی لاریسا^{۵۵} در کنار هرموس^{۵۶} یک آپادانای ایرانی پیدا شد که در حباب آن ۴ تالار ستوندار کشف شده است^{۵۷} پریکلس^{۵۸} در کنار تأثر دیونوسوس^{۵۹} یک اودیون^{۶۰} بنا نمود (تصویر ۱۴) که کاملاً با تالارهای ستوندار هخامنشی قابل مقایسه است (تصویر ۱۵) در بعضی از موارد خیمه‌های شاهانه هخامنشیان نیز معماری یونان را تحت تأثیر قرار داد.

خیمه ضیافت پتولمپوس (تصویر ۱۶) میتواند مثال جالبی باشد^{۶۱}. نمادهای سقف آسمان بوسیله بالداخین و یا سایه‌بان نشان داده میشد و برای معماری یونان و ایران هر دو واجد اهمیت بود بنظر میرسد که ترکیب نشانند ستونهای هخامنشی در ساختمان‌های اودیون در آتن، پارتون، پروپولایون و الویسیس تأثیر کرده است. معماری ایران همچنین از نظر مصالح ساختمانی بر معماری یونان اثر گذارده است. بکار بردن سنگ گچ سیاه در کنار مرمر سفید در کاخ‌های پاسارگاد معمول بود، نظیر همین ترکیب را در پروپولایون^{۶۲} و همچنین در ساختمان الویسیس میتوان ملاحظه نمود. تماس‌های سیاسی، جنگی، اقتصادی و فرهنگی ایران و یونان سبب پیدایش مضامین ایرانی در هنر یونان گردید نظری به ادبیات کهن یونان نشان میدهد که ایران

- ۳۸ - Agora به میدان عمومی و بازارهای خرید و فروش اطلاق میشود.
- ۳۹ - Erechtheion
- ۴۰ - مراجعه شود به ص ۱۷ کتاب: S. Giedion
- ۴۱ - Pnyx میدان اجتماع آتنی‌ها بر روی صفاى صخره‌ای که بمنزله مجلس آتن محسوب میگشت.
- ۴۲ - Areopag محل تشکیل جلسات دادگاهها.
- ۴۳ - Heraion
- ۴۴ - Aphaia
- ۴۵ - Agina
- ۴۶ - مراجعه شود به ص ۲۲ مقاله: Heinz Lushey
- ۴۷ - مراجعه شود به ص ۲۳ مقاله: H. Lushey
- ۴۸ - Hypostyl تالار تجمع.
- ۴۹ - مراجعه شود به ص ۲۳ کتاب: S. Giedion
- ۵۰ - برای مثال حسن لو قرن هشتم پ. م.
- ۵۱ - Mysterien به مخفی‌گاههای مذهبی - عرفانی اطلاق میشود و فرم معماری آن از شرق از طریق آسیای صغیر به خاک یونان راه یافت.
- ۵۲ - Eleusis باین نوع هوپوستول ترسیلیون Thersilion نیز میگویند.
- ترسیلیون مگالوپولیس Megalopolis که در قرن چهارم پ. م و ترسیلیون آرگوس که در میانه قرن پنجم ساخته شدند از نمونه‌های پراهمیت معماری مذهبی یونان بشمار میرفت.
- ۵۳ - مراجعه شود به ص ۲۴ کتاب گیدین فوق‌الذکر.
- ۵۴ - Iktinus
- ۵۵ - Larisa
- ۵۶ - Hermos
- ۵۷ - بطور کلی بناهای ایونی بیشتر به معماری هخامنشیان نزدیک هستند تا ساختمان‌های دوری.
- ۵۸ - Derikles یکی از رهبران سیاسی ودولتی شهر آتن در قرن پنجم پ. م است.
- ۵۹ - Dionysos ایزد شراب است.
- ۶۰ - Odeion به تئاتر مسقف اطلاق میشود. مراجعه شود به ص ۵۷۶: Wörterbuch der Antike.
- ۶۱ - Symposium-Zeit des Ptole-mios II Philadelphos.
- ۶۲ - مراجعه شود به ص ۵۶ مقاله: K. Schefold.



• تیسافرنس ، سکه نقره‌ای ، حدود ۹۴ پ . م ، لندن ، عکس از
AMI, 1968, Bd. I, Tafel 13.



موزائیک اسکندر ، حدود یکصد سال پیش از میلاد ، عکس از ص ۱۶۴ کتاب E. H. Gombrich Kunst und Illusion, Köln, 1967

نه آرخوس بوسیله فلاویوس آریانوس^{۶۹} در کتاب ایندیکای^{۷۰} وی آمده است. برای کسب اطلاعات بیشتر در این مورد به فصل

۶۳ — Anaximander از اهالی جزیره
میلنوس ۵۴۶ - ۶۱۰ پ . م .
۶۴ - مراجعه شود به ص ۵ کتاب :

Alfons Gabriel
Die Erforschung Persiens.
Wien, 1952.

Hekataeus — ۶۵

۶۶ - مراجعه شود به ص ۱۰۸۵ فرهنگ
Friedrich Lübker
Reallexikon des classischen Alter-
tums.
Leipzig, 1882.

Ktesias — ۶۷

Nearchus — ۶۸

۶۹ — Flavius Arrianus در میانه
قرن دوم میلادی در رم میزیسته است .

Indika — ۷۰

بزرگ اسکولاکس یونانی مأموریت یافت از طریق خلیج فارس به مصر برود . وی مأموریت خود را با موفقیت انجام داد و در سال ۵۱۲ پ . م به مصر رسید^{۶۶} . مشاهدات شخصی هرودوتوس از غرب ایران ، اقامت هفده ساله پزشک یونانی کنسیاس^{۶۷} در دربار خشایارشا دوم ، سفر گرنوفون و کتاب آناباسیوی در مورد عقب نشینی ده هزار سرباز یونانی تحت فرماندهی کورش کوچک با اندازه کافی مطلب در مورد ایران در اختیار یونان گذارده بود . باید بخاطر آورد که اسکندر هنگام حمله به ایران بوسیله تعداد فراوانی از علمای یونانی همراهی میشد وظیفه آنان یادداشت هر پدیده تازه و قابل ملاحظه بود زیرا آنان میخواستند که این مطالب را در ردیف کشفیات دوره اسکندر جلوه گر سازند .

در سال ۳۲۴ پ . م در یادارنه آرخوس^{۶۸} از سند به خلیج فارس آمد . نوشته های

و ایرانیان موضوع کتابها و مقالات و اسناد متعدد یونانیان قرار گرفته اند .

اولین سند یونانی از ایران یک لوحه ایست از سنگ معدن متعلق به ۵۲۰ پ . م که در سال ۵۰۰ پ . م به اسپارت آورده شد . بر روی آن نقشه جهان شناخته شده آن زمان نقر گردیده است . این لوحه از روی نقشه آناکسماندر میله ای^{۶۴} اقتباس گردیده است^{۶۴} از جزئیات این نقشه خبری در دست نیست فقط میتوان اظهار داشت که برای طراحان آن بسته بودن دریاچه خزر هنوز امری ناشناخته بود . فصل های باقیمانده از کتاب هکاتئوس^{۶۵} ۴۸۰ - ۵۴۹ پ . م که به پدر علم جغرافیا معروف است نشان میدهد که یونانیها برای اولین بار از قومی پارتی در کنار دریای خزر اطلاع حاصل کرده بودند . در ضمن رود ارس را شناخته و بوجود خلیج فارس نیز در جنوب ایران آگاهی یافته بودند .

در سال ۵۱۶ پ . م با مر داریوش



داریوش سوم از موزائیک اسکندر
عکس از ۱۶۴ کتاب
E. H. Gombrich

«ایرانیان» آیسخولوس قرار گرفته و شباهت آن به نقش برجسته داریوش انکارناپذیر است (تصویر ۲۰).

بر روی سکه‌ای نقره‌ای از سال ۴۱۲ پ. م. (تصویر ۲۱) بجای سر آتنا، سر ساتراپ تیسافرئیس^{۳۷} یک چهره ایرانی با لباس ایرانی ولی با سبک یونانی، نقش شده و بر روی دیگر آن «پول شاه بزرگ» نقره‌گردیده است.

موضوع جنگهای ایران و یونان بدون شك مورد توجه فراوان هنرمندان یونان قرار گرفت. موزائیک اسکندر (تصاویر ۲۲ و ۲۳) از قرن اول پ. م.

از لشکریان هخامنشی تهیه کرده از راه باب سفر بطرف یونان گذر میکردند. این تصویر لشکریان داریوش را هنگام عبور از روی پلی قایقی نشان میداد و اولین نقاشی تاریخی هنر یونان محسوب میگردد^{۳۸} نقاشی روی یک گلدان از حدود ۴۶۰ پ. م. یک جنگجوی ایرانی را نشان میدهد (تصویر ۱۸) گلدان دیگری از میانه قرن پنجم پ. م. داریوش را (تصویر ۱۹) با لباس شل مانند، شلوار بلند و عصای سلطنت باقمای شایسته یک شاهنشاه ایران نشان میدهد. نقاشی این گلدان تحت تأثیر درام

«عصر یونان و روم» کتاب «اسناد مصور اروپائیان از ایران از اوائل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم» نگارنده این سطور مراجعه نمایند.

ملاحظه میگردد که یونانیان باندازه کافی با فرهنگ ایران زمان هخامنشی آشنا بوده و آنرا گرامی داشته‌اند، از مهمترین آثار هنری با محتوای ایرانی و سبک و روشی یونانی سارکوفاز^{۳۹} سیدون^{۴۰} است. اثر دیگر (تصویر ۱۷) یک نشان یونانی است که احتمالاً داریوش را در حال جنگ با یونانیان نشان میدهد^{۴۱}. در سال ۵۱۳ پ. م. نقاشی بنام ماندروکلوس^{۴۲} تصویری

که در کاژدل فانو^{۷۸} پیدا شد و اکنون یکی از آثار برجسته و پربهای موزه ملی ناپل میباشد نمونه‌ای از آن بشمار میرود. موزائیک اسکندر صرف‌نظر از موضوع و تنها از نظر عظمت و تکنیک نیز یک کار فوق‌العاده بشمار می‌آید. اندازه آن ۵ در ۲/۷ متر و با سنگ‌های موزائیکی ساخته شده که اندازه هر یک از ۲ الی ۳ میلیمتر تجاوز نمی‌کند. در این اثر در حدود ۱/۵ میلیون سنگ موزائیک بکار برده شده است. ظرافت تکنیک این موزائیک‌های ریز سبب رنگ‌آمیزی متنوع و جالبی شده و بخاطر همین امکانات رنگی، بسیار بعید بنظر میرسد که این کار شباهت فراوانی به اصلش داشته باشد.

با احتمال قوی موزائیک اسکندر از روی تابلوی نقاشی معروف قرن چهارم پ. م. فیلوکسوس^{۷۹}، در اواخر قرن از جنگ ایسوس^{۸۰} کپی شده است. فیلوکسوس سعی کرده از کلیه واسطه‌های دراماتیکی استفاده نماید تا جنگ را در نهایت گیرائی‌اش نمایش دهد.

لشگریان ایران بنظر میرسد قصد عقب‌نشینی دارند ارا به شاه بزرگ می‌خواهد هزیمت کند ولی داریوش سوم برگشته قصد دارد از هرج و مرج ممانعت نماید و یا شاید می‌خواهد بطرف نجیب‌زاده ایرانی که در اثر نیزه اسکندر در طرف چپ وی

افتاده برود. در این گیرودار آن دیگری از اسب بطور عمودی بطرف ارا به شاه پریده و شاید می‌خواهد سوار شود و شاه را نجات دهد. در هر صورت «موزائیک اسکندر» جلال و جبروت جنگ‌های ایران و یونان را تصویر میکند، احساسات و شجاعت طرفین را نشان داده و شمه‌ای از سبک نقاشی‌های بزرگ تاریخی و جنگی قرن چهارم پ. م. یونان را بیان میدارد. آنچه فوقاً آمد لاقلاً این مسئله را اثبات کرده که روابط یونان و ایران بربک مبنای صحیح اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استوار بود و هر دو کشور باستانی ارزشهای یکدیگر را دریافته بودند. ولی غریبان سه قرن اخیر بخاطر حفظ منافع اقتصادی خود واقعیات را دگرگون جلوه دادند و بناحق برای تمدن یونان در رم در مقابل تمدن ملل شرق بالاخص ایران برتری قائل شدند تا با فراغ‌بال به غارت اقتصادی آنان به پردازند و با مواد اولیه تقریباً مجانی شرق اندوستر یالیسم غرب را حمایت و تغذیه نمایند. در نتیجه آنان ثروتمند گردیدند و بشرقیان فخر فروختند.

روشنفکران ما در شرایط کنونی وظیفه دارند که در ارزشیابی پدیده‌های اقتصادی، فرهنگی حال و گذشته خودمان و غرب و روابط آندو بایکدیگر تجدیدنظر کرده و آنها را با معیارهای علمی تجزیه

و تحلیل نمایند. بدون شك برای نیل به تمدن بزرگ و فرهنگی مطابق آن راه دیگری وجود نخواهد داشت.

- ۷۱ - Sarkophag به تابوت مجلد سنگی اطلاق میشود.
- ۷۲ - Sidon
- ۷۳ - مراجعه شود به ص ۲۱ مقاله فوق‌الذکر H. Lushey.
- ۷۴ - مراجعه شود به ص ۱۸ مقاله فوق‌الذکر H. Lushey.
- ۷۵ - Mandrokolos
- ۷۶ - مراجعه شود به ص ۱۸ مقاله فوق‌الذکر H. Lushey.
- ۷۷ - Tissaphernes
- ۷۸ - Casa del Fauno خانه فانو.
- ۷۹ - Philoxenos از اهالی اریتره Eretria.
- ۸۰ - عده‌ای از دانشمندان معتقدند که تابلوی نقاشی فیلوکسوس از جنگ گاواگاملا Gaugamela با آربلا Arbela در بین‌النهرین است که در سال ۳۳۱ پ. م. مابین اسکندر و داریوش سوم رخ داد.
- در صورتیکه با احتمال قوی این تابلو نقاشی باید از جنگ ایسوس باشد که در کلیکیه در آسیای صغیر در ۳۳۳ پ. م. مابین اسکندر و داریوش سوم حادث شد.
- مراجعه شود به صفحات ۱۹ - ۱۸ کتاب: Wörterbuch der Antike.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی